

مخصوص جامعه بهائی

شماره ۲

صفحه

فهرست

- | | |
|----|--|
| ۱ | ۱- بیانیه جامعه بین المللی
(بعد روحانی توسعه پایدار) |
| ۶ | ۲- سیستم‌آ نیک شدن
(راهنمای پیشرفت مستمر در جامعه بهائی) |
| ۵۶ | ۳- آمار عالم بهائی |
| ۶۸ | ۴- اخبار و بشارات بین المللی
(ارتقاء سطح شناسایی دانشگاه بین المللی لندک توسط دولت) |
| ۷۸ | ۵- اخبار بین المللی
(گردهمایی گروه‌های دینی برای بحث در محیط زیست) |
| ۸۳ | ۶- یادداشت‌هایی از سخنرانی جناب پاول لمپل |

Chemical Equilibrium

Le Chatelier's Principle

Reaction

Shift

1. $N_2(g) + 3H_2(g) \rightleftharpoons 2NH_3(g)$	Right
2. $2SO_2(g) + O_2(g) \rightleftharpoons 2SO_3(g)$	Right
3. $2NO_2(g) \rightleftharpoons N_2O_4(g)$	Right
4. $2H_2O(l) \rightleftharpoons 2H_2(g) + O_2(g)$	Left
5. $2H_2O(l) \rightleftharpoons 2H_2(g) + O_2(g)$	Left
6. $2H_2O(l) \rightleftharpoons 2H_2(g) + O_2(g)$	Left
7. $2H_2O(l) \rightleftharpoons 2H_2(g) + O_2(g)$	Left
8. $2H_2O(l) \rightleftharpoons 2H_2(g) + O_2(g)$	Left

بیانیهٔ جامعهٔ بین‌المللی بهائی

در مورد بُعد روحانی توسعهٔ پایدار

مأخذ: سرویس خبری عالم بهائی

سازمان ملل، ۱۹ آوریل ۲۰۰۱ (۳۰ فروردین ۱۳۸۰)

امروز جامعه بین‌المللی بهائی، برای اولین جلسه کمیته تدارکاتی سازمان ملل متحد برای جلسه سران عالم در خصوص توسعه پایدار، بیانیه‌ای تحت عنوان "توسعه پایدار: بُعد روحانی" صادر کرد.

جلسه کمیته تدارکاتی که طبق برنامه از ۳۰ آوریل تا دوم مه (۱۰ تا ۱۲ اردیبهشت) در مقر سازمان ملل در نیویورک تشکیل خواهد شد، دستور جلسه و جهت مذاکرات سران عالم را که سال آینده در شهر ژوهانسبورگ واقع در آفریقای جنوبی منعقد خواهد شد، تهیه خواهد کرد. نقطه تمرکز جلسه سران بررسی پیشرفت‌های حاصله در زمینه محیط زیست از جلسه سران ارض^(۱) در سال ۱۹۹۲ در ریو دو ژانیرو تاکنون خواهد بود.

متن کامل بیانیه جامعه بین‌المللی بهائی که توسط دفتر این جامعه در سازمان ملل متحد انتشار یافت به شرح زیر است:

حدود نُه سال قبل، در طی جلسه سران ارض، دولت عالم با مشارکت بارز و ارزنده جامعه مدنی جهانی، یک سیاست قابل توجه آینده‌نگرانه برای حصول توسعه پایدار جهانی تحت عنوان "دستور کار ۲۱"^(۲) را ابداع نمودند.

حدود نُه سال بعد، امر خطیر تعیین قدمهای بعدی در تکامل "دستور کار ۲۱" بر عهده جلسه سران عالم برای توسعه پایدار^(۳) نهاده شد. این جلسه سران برای "تعیین موانع عمده اجرای دستور کار ۲۱" و نیز "بیان معضلات و فرصتهای جدیدی که از زمان کنفرانس سازمان ملل متحد برای محیط زیست و توسعه تاکنون ایجاد شده است" دعوت شدند. در تعیین این فرصتها، معضلات و موانع عمده است که کمیته تدارکاتی سران عالم باید ضرورتاً با مواضع روحانی مواجه گردد.

در آثار بهائی آمده است، "عالم مادی هر قدر ترقی نماید نمی‌تواند موجد سعادت نوع بشر گردد. تنها زمانی که مدنیت مادیّه منضم و مرتبط با مدنیت روحانیه گردد، سعادت عالم انسانی تأمین می‌گردد... چه که در مدنیت مادی خیر و شرّ با هم و به یک سرعت ترقی می‌کنند."^(۴)

جامعه بین‌المللی بهائی معتقد است مادام که مواضع روحانی در جریان توسعه مد نظر قرار نگیرد، استقرار مدنیت پایدار جهانی مستحیل و محال است. در نظر اکثریت عظیمی از اهل عالم، این عقیده که ماهیت بشری اساساً روحانی است، یک حقیقت مسلم و غیر قابل انکار می‌باشد. مسلماً، این تعبیر از واقعیت عبارت از تعریف تجربه فرهنگی برای اکثر اهل عالم است و از نحوه معرفت آنها از خویشان و از عالم اطراف خود تفکیک ناپذیر می‌باشد. لہذا، تنها با عطف توجه به بُعد روحانی حقیقت بشری است که سیاستها و برنامه‌های توسعه می‌تواند واقعاً منعکس‌کننده تجارب، شرایط، آرمانها و امیدهای سگان ارض باشد و حمایت قلبی و مشارکت فعال آنها را باعث گردد.

از طرفی، دُول عالم، جمعاً و مشترکاً، تدریجاً یک بُعد روحانی را برای توسعه مورد تصدیق قرار می‌دهند. این تأثیر را در برنامه‌های اقدامات عالمگیر که حاصل کار کنفرانسهای عظیم جهانی منعقدہ توسط سازمان ملل متحد در دهه ۱۹۹۰ می‌باشد، می‌توان مشاهده کرد. فی‌المثل، دستور کار ۲۱، با تشخیص این نکته که "به افراد باید امکان داد تا قوای مکتونه خود، شامل گسترش نیروهای سلامت جسمی، دماغی و روحانی را به طور کامل توسعه دهند"، طالب "توسعه اجتماعی، اقتصادی و روحانی" می‌گردد. اعلامیه‌ها و برنامه‌های عملی متعاقب آن این دعوت را تقویت می‌کند و به پیش می‌راند. فی‌المثل، اعلامیه دُول عالم در کینهاک بالصراحه تأیید می‌کند که "جوامع ما باید به نحوی رساتر و مؤثرتر به نیازهای مادی و روحانی افراد، خانواده‌های آنها و اجتماعاتی که در آن زندگی می‌کنند، ... نه تنها به فوریت بلکه به عنوان تعهدی مستمر و تزلزل‌ناپذیر در سالهای آتی، پاسخ دهند." آنها در تریبون عمل در بیجینگ^(۱) به این توافق دست می‌یابند که، "اعتقاد و روحانیت دینی نقشی اساسی در حیات، نحوه زندگی و آرمانهای میلیونها زن و مرد برای آتیه ایام، ایفا می‌کند." در دستور کار زیستگاه^(۲)، دُول عالم متعهد می‌گردند که "به ثبات و آرامش بیشتر در جهان نائل گردند و یک دیدگاه اخلاقی و روحانی به وجود آورند."

از طرف دیگر، ورای چنین تعهدات و بیانیه‌های کلی، این توافقیهای جهانی درک چندانی از معنی و مفهوم اصولی و عملی اصطلاحاتی چون "روحانیت"، "دیدگاه روحانی" و "توسعه روحانی" ارائه نمی‌کند. مسلماً، همانطور که این برنامه‌های اقدامات جهانی اذعان دارند، اگر

روحانیت برای توسعه پایدار امری حیاتی باشد. پس زمان آن فرا رسیده است که حرکتی به آن سوی کلیات صورت پذیرد. اصول روحانی در قلب توسعه عمیقاً مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد و پیامدهای آنها برای جمیع مراحل جریان توسعه مد نظر و قیاس شود.

این اکتشاف اصول روحانی کاملاً با اختیارات کمیته مقدماتی برای "تعیین موانع اجرای دستور کار ۲۱" و "بیان معضلات و فرصتهای جدیدی که از زمان جلسه سران ارض تاکنون ایجاد شده است" منطبق می باشد. هر تدبیری برای غلبه بر موانع و معضلاتی چون جنگ، فقر، فروپاشی اجتماعی، ملی گرایی افراطی، حرص و آز، فساد، دلسردی و افسردگی، در صورتی که اصول روحانیه را به حساب نیاورند، در بهترین وضعیت خود، ناپایدار و گذرا خواهند بود. کمیته تدارکاتی، در ملاحظه فرصتهای جدید جهت غلبه بر این موانع و معضلات، باید ناظر به گسترش قابل توجه در روابط بین الادیان و توسعه ابتکارات بین الادیان باشد. گروههای مذهبی و روحانی به نحوی فزاینده به هم می پیوندند تا دوستی، مودت و تفاهم میان جوامع مختلفه را پرورش دهند. آنها در مورد خط مشی ها، برنامه ها و ابتکارات نیز به نحوی دائم التزاید با گروههای غیرمذهبی، از مؤسسات عظیمه خصوصی و سازمانهای جامعه مدنی گرفته تا دولتها و مؤسسات بین المللی به همکاری می پردازند. در چنین فعالیتی، سیستم های ارزش دینی و روحانی، نه جدا از "مسائل مورد علاقه واقعی جهانی"، بلکه به عنوان منابع حیاتی علم و انگیزه، ذخایر پایان ناپذیر ارزشها، بینش ها و انرژی هایی ملاحظه می شوند که بدون آنها تحقق انسجام اجتماعی و اقدام جمعی، اگر مستحیل نباشد، دشوار خواهد بود.

این شکوفایی فعالیت بین الادیان را می توان در ابتکاراتی چون گفتگوی توسعه ادیان جهان؛ کنفرانس جهانی دین و صلح؛ پیمان ادیان و حفاظت محیط زیست؛ پارلمان ادیان جهان؛ و کنفرانس هزاره صلح سران و رهبران دینی و روحانی مشاهده کرد. آن را در موافقت نامه ها و بیانیه های مشترک متعددی که در طی آنها ادیان یک بینش مشترک از آئین عالم انسانی را مبتنی بر اصول عمومی و جهانی چون محبت، عدالت، شفقت، اعتدال، تواضع، مشارکت، خدمت، صلح و یگانگی عائله بشری با صراحت اظهار داشته اند. می توان خواند.

کمیته تدارکاتی، در اقدام برای تلفیق اصول روحانی در مذاکرات خود، باید از این مرحله جدید در روابط میان ادیان جهان بهره برداری کند. این کار را می توان با قرار دادن "توسعه پایدار: بُعد روحانی" در زمره "زمینه های اصلی مذاکرات سران" تحقق بخشید. به این ترتیب در موافقت نامه ها، اعلامیه ها و بیانیه های بین المللی که نقطه توجه آنها ارزشهای مذهبی و روحانی

است. بالاخص به این علت که با جریان توسعه مرتبط و مؤثر بر آن است. می‌توان یک بررسی عمده انجام داد. این بررسی را باید با برنامه‌های اقدامات عالمگیر کنفرانسهای جهانی دهه ۱۹۹۰ شروع کرد. زیرا در اینجا بود که دَوَل عالم علناً اهمیت ارزشهای روحانی در توسعه را تصدیق نمودند. بعد باید آن را بسط و توسعه داد تا موافقت‌نامه‌ها و بیانیه‌های عمده بین‌الادیان و سایر ابتکارات مرتبط را شامل شود.

در این ضمن که این مطالعه انجام می‌شود، کمیته تدارکاتی می‌تواند امکانات لازم برای یک رشته مشاورات را فراهم آورد که نمایندگان و رهبران ادیان مختلف و فرقه‌های روحانی را در برگیرد. نقطه تمرکز و توجه این مشاورات، که می‌تواند قبل از جلسه آتی کمیته تدارکاتی صورت گیرد، باید بر اصول روحانیه باشد، که به دستورکار ۲۱ و توسعه پایدار مربوط می‌شوند. یک رشته مشاورات منظمه‌ای قبل از انعقاد جلسه مشورتی بین‌المللی می‌توان تشکیل داد یا، اگر این امر مقدور نباشد، حداقل، یک جلسه مشورتی بین‌المللی باید سازماندهی گردد. نتیجه این مشاورات و ماحصل "بررسی اسناد" باید به عنوان یک سند سازمان ملل متحد برای استفاده در مذاکرات کمیته تدارکاتی انتشار یابد.

اگرچه این مساعی پیشنهادی اقداماتی متوسط و معمولی هستند، دَوَل عالم می‌توانند، با حمایت از آنها، پیامی واضح و روشن ارسال دارند که در تعهدات پیشین خود برای تلفیق ملاحظات روحانی در جریان توسعه، جدی هستند. معهدا، نکته مهم‌تر این است که "بررسی اسناد" و مشاورات جهانی بلاتردید موجب اندیشه‌ها و اقدامات ابداعی می‌گردد و احتمالاً ممکن است موجب پیدایش قوی مبتنی بر اصول روحانی شود، اصولی که، به علت هماهنگی و همسویی آنها با روح بشری، دارای قدرت ایجاد انگیزه برای فداکاری و تحوّل هستند که اگر نوع بشر بخواهد بر مسائلی به ظاهر مهارنشدنی که در پیش رو دارد، غلبه نماید به آنها نیاز خواهد داشت.

نهایتاً، ایجاد یک مدنیت توأم با صلح و عدالت جهانی، که نفوس مختلفه عالم در کمال اتفاق با یکدیگر و با عالم طبیعت، در آن زندگی نمایند، مستلزم یک تشخیص موقعیت مجدد اهداف فردی و جمعی و یک تحوّل عمیق در نگرش‌ها و رفتارها است. چنین تحوّلات وسیع و گسترده‌ای تنها با توجه به بُعد غیر مادی واقعیت و جذب منابع وسیع روحانی عالم بشری قابل حصول است.

سیستماتیک شدن

راهنمای پیشرفت مستمر

در

جامعه بهائی

تهیه کننده:

لاورنس ام میلر

مقدمه

بیت‌العدل اعظم از جمیع احباء دعوت کرده‌اند که در مساعی خویش به نحوی سیستماتیک‌تر عمل کنند. اما، سیستماتیک بودن به چه معنی است؟ مقصود از این رساله تحریر یک راهنمای مقدماتی برای سیستماتیک‌تر شدن در مجهودات است که ضمناً درک آن سهل و ساده باشد. این رساله شامل سه بخش است؛ بخش اول چند اصل اساسی است که در یک رهیافت سیستماتیک باید مد نظر قرار گیرد؛ دوم، یک خود آزمایی است که شما می‌توانید به عنوان مبنایی برای مشورت استفاده کنید؛ و سوم، برخی اقدامات اساسی که شما و جامعه شما می‌توانید برای سیستماتیک‌تر شدن در مجهودات خود انجام دهید.

مؤثرتر بودن در مدیریت امور خود برای رشد جامعه اساسی و ضروری است. بیت‌العدل اعظم پیام رضوان را اینگونه آغاز فرمودند:

با قلبی مملو از سرور و مشحون از امید، در نقطه عطفی از زمان که تفکری جدید و اندیشه‌ای بدیع در جمیع ما مشهود و نمایان است، به ایام رضوان واصل می‌گردیم. در جامعه جهانی ما، آگاهی و وقوف بر ارزش مبادرت به عمل، لزوم برنامه‌ریزی، و فضیلت اقدام سیستماتیک در تشویق و ترویج رشد و نیز گسترش منابع انسانی، که به وسیله آن می‌توان توسعه را پایدار ساخت و تحکیم را تضمین نمود، به نحوی مبسوط و گسترده وجود دارد. درک معقول و منطقی نسبت به این مقتضیات ترقی و تقدّم را نتوان حقیر شمرد و اهمّیت تداوم و استمرار بخشیدن به آنها را از طریق آموزش منظمّ نتوان قلیل دانست. وصول جامعه امر به چنین موقفی از آگاهی، برای ما واقعه‌ای بسیار مهم به شمار می‌رود. مراتب امتنان عمیق خود را به ساحت جمال مبارک تقدیم می‌داریم که در بدایت نقشه عظیم و جامع‌الاطراف جهانی، که در این ایام جشن و سرور افتتاح می‌گردد، می‌توانیم این لحظه خطیر را درک کنیم و مورد تحسین قرار دهیم.^(۱)

همچنین در پیام مورّخ ۹ زانویه ۲۰۰۱ خطاب به مؤتمر هیأت‌های مشاورین قاره‌ای چنین فرمودند:

۱- پیام بیت‌العدل اعظم، رضوان ۱۵۸ بدیع

پیشبرد جریان ورود افواج مقبلین همچنان هدف نقشه پنج ساله باقی خواهد ماند و بدون شک هدف سلسله نقشه‌هایی خواهد بود که جامعه را به پایان قرن اول عصر نکوین می‌رساند. تسریع این جریان حیاتی از طریق اقدامات منظم سه عامل اصلی نقشه، یعنی افراد مؤمنین، تشکیلات امری و جامعه تحقق خواهد یافت.

از این پیامها به وضوح تام درک می‌شود که توانائی ما در سیستماتیک شدن در جریانات حیات جامعه و نیز توسعه و تحکیم، برای ترقی و تقدّم ما بسیار ضروری است.

۱- اصول اقدام سیستماتیک

البته اقدام صحیح همیشه مبتنی بر اصول و نیز شرایط حاکم بر هر جامعه است. برای یافتن نقطه صحیح تعادل در جامعه، ممکن است بخواهید اصول زیر را در یک اقدام سیستماتیک مد نظر قرار دهید. موقعی که فعالیت‌های جامعه را برنامه‌ریزی می‌کنید، هر یک از این اصول می‌تواند موضوعی برای مشورت باشد.

۱- روح تعادل در سیستم: یکی از اصول مهم در امر بهائی عبارت از "تعادل در جمیع امور" است. این اصل، تعادل و میانه‌روی را به عنوان یک طریقه روحانی زندگی نیز تعلیم می‌دهد. ما، وقتی به نقش زنان و مردان اشاره می‌کنیم نیز به تعادل "دو بال یک پرنده" اعتقاد داریم. به ما تعلیم داده می‌شود که ثروت مطلوب است، اما باید از افراط در ثروت و فقر اجتناب کرد. اجتناب از افراط و تفریط و تمسک به اعتدال را در سراسر امر مبارک مشاهده می‌کنیم. در سیستماتیک شدن می‌توان افراط نمود و به روح صدمه زد. اما، سیستماتیک شدن می‌تواند ناامیدی‌ها و تعارضات را که به روح صدمه می‌زنند کاهش دهد. فی‌المثل، یک جریان سیستماتیک برای تزئید معارف مؤمنین جدید و وارد کردن آنها در حیات جامعه، هم سیستماتیک است و هم روح جامعه را فزونی می‌بخشد. همواره با شیوه‌هایی که حیات روحانی جامعه را تقویت می‌کند، طالب سیستماتیک شدن گردید. سیستماتیک شدن بنفسه

یک هدف نیست، بلکه وسیله‌ای برای وصول به هدف است.

۲- مراحل اقدامات در طول زمان: یک رهیافت سیستماتیک و برنامه‌ریزی مؤثر یک رویداد واحد ارزشمند، یک الهام یا اندیشه بزرگ نیست. بلکه شامل تعیین اقدامات و مراحل آن در یک جریان پویا، در طول زمان، و نیز طریقه‌ای برای مرور مجدد در نحوه پیشرفت اقدامات مزبور است. اموری که سیستماتیک هستند غالباً آوایی چون صدای ضربات طبل، یک ریتم، الگویی در طول زمان هستند که همراه با آن گروه‌هایی از نفوس می‌توانند بیاموزند که با یکدیگر برقصند. زارع می‌داند که یک محصول موفق و عالی نتیجه یک رویداد واحد نیست، بلکه حاصل یک رشته وقایع، یک الگوی تکراری توجه و تغذیه است که نهایتاً به خرمن و محصول منجر می‌گردد.

۳- تعادل بین مساهله و سخت‌گیری: در هر برنامه‌ای بین تعاریف سست و غیردقیق جهت اقدام که احدی نمی‌داند از او در چه زمانی چه انتظاری می‌رود، و افراط در تعریف و کنترل که با ابتکارات فردی و نیز قابلیت انعطاف ماینت دارد، باید تعادل برقرار شود. بهترین تعادل غالباً مربوط به داوری و اولویت فردی است. در مشورت باید سعی شود این اولویت‌ها درک گردد و بهترین قضاوت حاصل شود.

۴- جریان یادگیری: تمامی برنامه‌ریزی مطلوب این اندیشه را نیز در بر می‌گیرد که ما از مساعی خویش می‌آموزیم و دفعه بعد کارها را بهتر انجام خواهیم داد. حافظه نهادی، یا یادگیری، نتیجه مرور برنامه‌ها و اقدامات است، نه یافتن مسئول شکست‌ها، بلکه یادگیری است که دفعه بعد چگونه کارها بهتر انجام شوند. بدون این یادگیری ما همیشه "در حال تکرار تجربیات گذشته" هستیم، یعنی همان اشتباهات را مرتکب شده‌ایم خود را بیهوده به هدر می‌دهیم. همیشه فرصت برای یادگیری وجود دارد. یک اقدام سیستماتیک موجد یادگیری سیستماتیک است. معهذاً، یک نتیجه طبیعی ضروری برای یادگیری عبارت از عدم مجازات و تنبیه برای اشتباهات است. اگر اشتباهات به تنبیه منجر گردد، در یادگیرنده ترس ایجاد می‌شود و ترس موجب تحلیل و تضعیف قوی و اشتیاق می‌گردد، قوه ابتکار سرکوب می‌شود و

یادگیری متوقف می‌گردد.

۵- ایجاد تعلق و حمایت: یک اقدام سیستماتیک نباید قالبی و بدون قوه ابتکار باشد. مآلاً، تعلق و اشتیاق فرد مؤمن تعیین‌کننده موفقیت هر نقشه و برنامه‌ای است. سهیم شدن نفوسی که اقداماتشان به موفقیت منجر خواهد شد، در مسئولیت، و وارد شدن آنها در جریان تصمیم‌گیری موجد تعلق و تعهد می‌شود.

۶- دقت در تعقیب امور: در نظر برخی از نفوس ممکن است اصطلاح "مسئولیت" به یک اقدام مقتدرانه دلالت داشته باشد. با این همه، قصور در تعقیب برنامه‌ها باعث می‌شود که افراد تصور نمایند عمل بموجب آنچه که تعهد شده است چندان اهمیتی ندارد. یادگیری تعقیب برنامه‌ها برای کشف نحوه فعالیت نفوس، به نحوی که بتوانید موفقیت را ارزیابی نموده در نحوه پیشرفت برنامه به حل مسائل و مشکلات بپردازید، در یک اقدام سیستماتیک موفق بسیار ضروری است.

۷- سنجش‌های ساده ایجاد انگیزه کرده موجب یادگیری می‌شود: موضوع سنجش غالباً بحث برانگیز است. عکس‌العمل‌های ما عمده مبتنی بر تجربه فرهنگی ما است. برخی هراس دارند که مورد قضاوت قرار گیرند گویی دانش‌آموزانی هستند که در مدرسه دارند رتبه‌بندی می‌شوند. سایرین تفریح و لذت ورزشها را به خاطر می‌آورند و میل دارند نمره بالاتری را صرفاً برای لذت بردن کسب کنند. شناسایی این واکنش‌های متفاوت حائز اهمیت است. این نکته نیز واجد اهمیت است که سنجش بنفسه یک هدف نشود. فی‌المثل، نگهداری یک حساب ماهانه از نحوه شرکت و حضور اجباء در ضیافت نوزده روزه می‌تواند اطلاعات مفیدی را در سنجش و ارزیابی تأثیر مساعی خود، در اختیار محفل قرار دهد. معهداً، اگر افزایش تعداد اجبای حاضر در ضیافتات یک هدف اصلی شده در اولویت قرار گیرد، برای مواجهه و مقابله با جامعه مورد استفاده قرار گرفته از سنجش استفاده غلط به عمل آمده است. از سنجش‌های ساده که می‌تواند به شما در یادگیری از مساعی خود کمک نماید و فرصتی را برای ارزیابی مساعی مطلوب خود برای شما فراهم آورد، استفاده کنید.

۸- آماده تغییرات باشید: اهداف و نقشه‌ها یک نقطه آغاز برای یک سفر است. شما هرگز نمی‌توانید اطمینان داشته باشید که در طول راه چه چیزی را کشف خواهید کرد. برنامه‌ریزی مطلوب شامل تمایل به تعدیل نقشه‌ها و اهداف در آن زمانی است که واقعیت‌ها نشان می‌دهد که نقشه‌های و اهداف بهتری وجود دارد. حتی بزرگترین و کارآزموده‌ترین شرکتها که مشاورین برنامه‌ریزی استراتژیک با نرخ بالا را در اختیار می‌گیرند دریافته‌اند که حتی پیشرفته‌ترین نقشه‌ها تنها یک راهنمای سودمند برای سفر است. بهترین نتایج زمانی حاصل می‌شود که نفوس عامل به طور مستمر راهی را که در پیش دارند درک نمایند، شیوه کار خود را احساس کنند و به محیط که دائماً در حال تغییر است عکس‌العمل نشان دهند. این توانایی تغییر متناسب با تغییر شرایط به همان درجه در موفقیت جامعه بهائی ضروری و بایسته است.

تمرین

یک برنامه اخیر تبلیغی یا یک تلاش بارز دیگر در جامعه خود، مانند برنامه‌ریزی کلاسهای درس اخلاق و اجرای آن را در نظر بگیرید. فکر کنید که هر کدام از این اصول، برای تقویت این تلاش، چگونه به کار گرفته شده، یا ممکن است به کار گرفته شود. اگر مجدداً همان تلاش را مبدول می‌نمایید، چگونه هر یک از این اصول را ممکن است به کار ببرید؟

۱- روح تعادل سیستم:

۲- مراحل اقدامات در طول زمان:

۳- تعادل بین مساهله و سخت گیری:

۴- جریان یادگیری:

۵- ایجاد تعلق و حمایت:

۶- دقت در تعقیب امور:

۷- سنجش های ساده ایجاد انگیزه کرده موجب یادگیری می شود:

۸- آماده تغییرات باشید:

۲- چگونه می توان سیستماتیک تر شد

ذیلاً نکاتی ذکر می شود که شما وقتی سعی می کنید سیستماتیک تر شوید، می توانید مدّ نظر قرار دهید.

۱-۲ در مورد نحوه تفکر خود بیندیشید

برای بعضی نفوس سیستماتیک بودن امری طبیعی است. بعضی دیگر حتی بی اختیار و ناشی از میل مفرط ذاتی سیستماتیک هستند و برای تمام جزئیات زندگی خود برنامه ریزی می کنند. معهذاً، نفوس دیگری نیز هستند که یک اقدام سیستماتیک را یک امتحان واقعی روحانی می یابند حتی احساس می کنند که با یک رهیافت "روحانی" مبیانت دارد. با مشورت می توان این دیدگاههای مختلف را با هم ائتلاف داد و نگرشی ایجاد کرد که برای جامعه مفید باشد.

احتمالاً واقف هستید که در نحوه پردازش اطلاعات بین افراد مختلف تفاوت های عظیم می تواند وجود داشته باشد. مسلماً در جامعه خود توجه کرده اید که برخی نفوس دارای قدرت و بینش تحلیلی هستند، در حالی که سایرین در مقابل همان اطلاعات عکس العملی اساساً احساسی نشان می دهند. یک نفر خواهد پرسید که چه واقعه ای ابتدا رخ داد، کدام واقعه بعد از آن و چه رویدادی در مرحله سوم واقع شد. شخص دیگر خواهد پرسید نفوسی که دخیل در کار هستند در مورد اهمیت روحانی یک رویداد چه احساسی دارند و چگونه عکس العمل نشان می دهند. این تفاوتها را به عنوان "مطلوب" یا "نامطلوب" نباید ملاحظه نمود، بلکه آنها را به عنوان بیان کننده یک عامل و عنصر تنوع و کثرت در نژاد بشری باید مشاهده کرد. ما همانقدر که از لحاظ رنگ پوست خود تفاوت داریم از لحاظ جریانات فکری نیز متفاوت هستیم.

یک طریقه برای توصیف الگوهای مختلف فکری در امتداد یک کمیت همگن از خطی

به غیرخطی است. همه ما تا حدی از هر کمیت همگن دارای قابلیت و کفایت هستیم، اما همه ما تمایل داریم که به سوی انتهای یک کمیت همگن گرایش پیدا کنیم. این تمایلات مبین استعدادهای مکنون طبیعی هستند. نفوسی که بیشتر تمایلات غیرخطی دارند احتمالاً به هنرها علاقمند و در این زمینه موفقند. کسانی که بیشتر تمایلات خطی دارند به احتمال زیاد در مهندسی، ریاضیات و حسابداری موفق هستند. به هیچ وجه نباید یک تمایل را "مطلوب" و دیگری را "نامطلوب" تلقی کرد، بلکه باید آنها را مظهر تنوع و کثرت دانست.

این موضوع چه ارتباطی با سیستماتیک بودن دارد؟ برای نفوسی که تمایل خطی دارند، سیستماتیک شدن آسانتر است. آنها احتمالاً همان کسانی هستند که در یک جلسه خواهند گفت، "بسیار خوب، اولین چیزی که برای پیشرفت کردن لازم داریم چیست؟" آنها احتمالاً بیشتر از افرادی که روی احساسات تمرکز دارند، فهرستی تهیه می‌کنند و تاریخ و اسامی را در مقابل آن می‌نویسند.

همه ما وقتی سیستماتیک تر می‌شویم با یک امتحان مواجه می‌گردیم. اگر به طور طبیعی غیرخطی تر باشیم، امتحانی برای درک ارزش فکر خطی و تلاش برای جای دادن و ضمیمه کردن صفات و سجایای مزبور در زندگی خودمان است. اگر ما به طور طبیعی خطی تر باشیم، امتحانی است که نفوسی را که مواضع را از دیدگاهی غیرخطی مشاهده می‌کنند درک کنیم و به جای این که سعی داشته باشیم نظم را به دیگران تحمیل نماییم، در کمال متانت رهیافتی منظم تر پیشنهاد کنیم.

تمرین:

در مشورت، چگونه می‌توانید از عهده امتحانات مربوط به این تنوع افکار برآید؟ فرض کنید که به یک جهان بینی غیرخطی تر تمایل دارید و در حال مشورت هستید. یک مهندس هم، فرضاً به اسم جان، در اطاق حضور دارد که تعلیم دیده و به نگرش منظم و بقاعده به امور عادت کرده است. شما در مورد پیشرفت، یا عدم پیشرفت کلاسهای درس اخلاق بحث می‌کنید. مربیان در مورد رفتار نادرست و عدم انضباط اطفال ماتم گرفته‌اند. جان سؤال می‌کند، "دقیقاً آنها چه کاری می‌کنند که شما را ناراحت می‌کند؟" بعد می‌پرسد، "دقیقاً چند وقت یک بار این کار انجام می‌شود؟" بعد سؤال می‌کند، "چه قدم‌هایی برای مقابله با آن

برداشته‌اید و چه زمانی این کار را انجام دادید؟" می‌توانید مشاهده کنید که سؤالات او به سوی "واقعیات" قضیه بسیار جهت‌دار است و همچنین می‌توانید ببینید که مربیان با این رشته سؤالات اندکی ناراحت می‌شوند.

اگر شما یک عضو دیگر محفل بودید، فکر می‌کنید طبیعتاً چه عکس‌العملی نشان می‌دادید؟

حال صحنه‌ای را در نظر مجسم کنید که فردی با این وضعیت به روشی بسیار غیرخطی رفتار می‌کند. چرا این روش برای شخصی مانند جان ناامید کننده خواهد بود؟ چگونه به این وضعیت عکس‌العمل نشان می‌دهید؟

با توجه به اهمیت وحدت و توجه و تصدیق کثرت و تنوع، برای این که برای همه اعضا گروه بیشترین میزان سودمندی را داشته باشید، چگونه رفتار می‌کردید؟

۲-۲ یک موضع و نگرش یادگیری برای پیشرفت مستمر ایجاد کنید

شاید به علت نظام‌های رتبه‌بندی در مدارس، یا سایر تجارب فرهنگی، بسیاری از مردم در فرهنگ ما تصور می‌کنند جوابها یا "صحیح" است یا "غلط" و غلط بودن آن "بد" و صحیح بودنش "خوب" است. شما یا "برنده" هستید یا "بازنده". این دیدگاه دوگانه بسیار شبیه دیدگاه سنتی مسیحی در مورد بهشت و جهنم است، وقتی بمیرید یا به این مکان می‌روید یا به آن مکان. دیدگاه بهائی بیشتر یک کمیت همگن پیشرفت است. این کمیت همگن با نظریه پیشرفت مستمر سازگار و موافق است. دیدگاه بهائی در مورد زندگی، در این جهان و جهان بعد، عبارت از ترقی مستمر است. ما یک تعهد ابدی نسبت به یادگیری و ترقی را می‌پذیریم.

اگر امور یا صحیح باشند یا غلط، مایوس شدن و قطع امید کردن از ترقی بسیار آسان است. در واقع هر نقشه‌ای که می‌کشیم، هر تلاشی که مبذول می‌داریم، هر تصمیمی که اتخاذ می‌کنیم، دارای عناصر مطلب و نیز عناصری است که قابل اصلاح و بهبود بخشیدن می‌باشد. شما می‌توانید با بررسی مداوم مساعی خود (هر روزه حساب کشیدن از خود) و یافتن راههای کوچکی جهت اصلاح و بهبود خویشتن، مراتب تعالی و تقدّم را طی کنید. موفقیت‌های بزرگ غالباً نتیجه پیشرفتهای کوچک است که به طور مداوم در طول مدّت زمانی طولانی انجام شود. به ندرت ترقی و تعالی حاصل یک اقدام سریع ناشی از نبوغ است. هنرمندان بزرگ، دانشمندان بزرگ، مؤسّسات بازرگانی بزرگ از پیشرفتهای مستمر سود می‌برند. به خاطر آورید که مایکل جردن از ابتدا آنقدر ماهر و آزموده تلقی نشد که در تیم دبیرستانش بازی کند. بلکه او تدریجاً پیشرفت و ترقی نمود.

موارد زیر نگرش‌ها و افکار کلیدی است که شالوده و زیربنای مساعی سیستماتیک برای ترقی و تقدّم است. ممکن است مایل باشید در مورد نحوه به کار بردن اینها در مساعی خود به عنوان یک جامعه یا محفل به مشاوره بپردازید.

نگرش‌های ترقی مستمر:

۱-۲-۲ در حالی که از دستاوردهای گذشته تقدیر می‌کنید، طالب ترقی باشید.

وقتی کودکی اولین قدمها را برمی‌دارد با خوشحالی دست می‌زنیم و فریاد می‌کشیم. وقتی که ما این آغاز حقیر و ناچیز را، اگرچه لرزان و نامطمئن به نظر برسد، مورد تقدیر و تحسین قرار می‌دهیم، انتظار پیشرفت طبیعی و مستمر را داریم. در بُعد وسیع تر امور، تمامی ما اطفالی هستیم که قدمهای لرزان برمی‌داریم و امیدواریم قدم بعدی را مطمئن تر و محکم تر برداریم.

وقتی که با خواهران و برادران بهائی خود سر و کار داریم بسیار واجد اهمیت است که هم پیشرفتهای حاصله در مساعی آنها را مورد تشویق قرار دهیم و هم ارزش مساعی مبذوله آنها را ارج نهاده تحسین نماییم. این امر بالاخص نظر به تنوع و کثرت در جامعه بهائی و تجارب در زمینه‌های امری و نیز زمینه‌های خدماتی مانند تبلیغ یا امور اداری که در سطوح بسیار متفاوت قرار دارد بسیار حائز اهمیت است.

تمرین:

برخی از مساعی اعضای جامعه خود در سال گذشته را در نظر آورید. این اصل را چگونه می‌توانستید در مورد آن به کار ببرید؟

۲-۲-۲ "نارضایی سازنده" به تعالی و تقدّم منجر می‌گردد.

نارضایی می‌تواند سازنده یا مخرب باشد. هنرمند، ورزشکار، دانشمند یا نویسنده بزرگ را احتمالاً نمی‌توان به عنوان شخصی توصیف کرد که از خویش "راضی" است. در واقع، غالباً آنها بدترین منتقد خویش هستند و بیش از هر نفسی از نقایص کار خویش آگاهند و با قوت تمام طالب سطح بالاتر ترقی هستند. نارضایی آنان "سازنده" است زیرا جهت و قوت را ایجاد می‌کند، قوتی که منبعث از آگاهی نسبت به فاصله بین جایی است که قرار دارند و جایی که می‌توانستند باشند. چه زمانی نارضایی مخرب است؟ نارضایی زمانی مخرب است که متوجه دیگران باشد یا از درک مرحله قبل از موفقیت عاجز باشد. وقتی که همراه با اعتماد به نفس و اطمینان به توانایی خود برای بهبود و اصلاح نباشد احتمالاً به تغییر مفیدی منجر نخواهد شد. ما برای این که برای دیگران سودمند باشیم باید این اعتماد به نفس را به آنها بدهیم، موفقیت آنها را تشخیص دهیم، و نیز به آنها بینشی در مورد نحوه اصلاح امور ببخشیم.

تمرین:

در سال گذشته، وقتی که احساس نارضایتی نمودید، آیا این نارضایی سازنده بود یا مخرب؟ چرا؟ چه کار متفاوتی می‌توانستید انجام دهید؟

۳-۲-۲ مشکلات عادی هستند و هر یک از آنها فرصتی برای یادگیری است.

اگر فی المثل بازی بیس بال را دنبال می کنید، می دانید که حتی بهترین ضربه زن دنیا دچار چنان افت شدید و تنزل فاحشی می گردد که طی آن با بدترین بازی کنان چندان تفاوتی ندارد. می دانید که این یک دور طبیعی است. بهترین توپ اندازان دنیا بازی های بدی ارائه می دهند که طی آن کنترل آنها به حد اقل می رسد و بازی را قبل از وقت ترک می کنند. این عادی است. خلاق ترین نابغه ها، فی المثل، توماس ادیسون، صدها ایده داشت که شکست آنها به ثبوت رسید. او هزاران ایده برای تولید لامپ برق را آزمایش کرد، که همه آنها به شکست منجر شد، تا این که بالاخره ایده ای را یافت که ثمربخش بود. اما از هر یک از آنها نکته ای آموخت. سرمایه گذاران موقتاً اغلب تجارت ناموفقی را قبلاً تجربه کرده اند. اما پای فشردند و پیش رفتند و هر دفعه بر مهارت خویش افزودند.

آزمون و خطا، شکست، تنزل فاحش، و شکستهای مستمر و مکرر را تمام کسانی که، نهایتاً ثابت شده که موفق شده اند، تجربه کرده اند. آثار مبارکه به ما می گویند که امتحانات و افتتانات به نفع ما است. آنها اراده روحانی ما را تقویت میکنند و فرصتی را برای آموختن درسهای مهم برای ما فراهم می آورند. سؤال این است که آیا ما امتحانات را از زاویه پیشرفت مداوم نگریسته از خود می پرسیم، "از این تجربه چه درسی می آموزم تا دفعه بعد کار را بهتر انجام دهم؟"

"امتحان از برای صادقان موهبت حضرت یزدانست زیرا شخص شجاع بمیدان امتحان حرب شدید بنهایت سرور و شادمانی بشتابد ولی جهان بترسد و بلرزد و بجزع و فزع افتد و همچنین تلمیذ ماهر دروس و علوم خویش را بنهایت مهارت تبیع و حفظ نماید و در روز امتحان در حضور استادان در نهایت شادمانی جلوه نماید و همچنین ذهب خالص در آتش امتحان با روی شکفته جلوه نماید پس واضح شد که امتحان از برای نفوس مقدسه موهبت حضرت یزدانست اما از برای نفوس ضعیفه بلای ناگهان..." (۱)

تمرین:

در مورد مسأله‌ای که جامعه شما در سال گذشته با آن مواجه شد بیندیشید. آیا فکر می‌کنید که با این مسأله به عنوان فرصتی برای یادگیری برخورد کردید؟ چگونه می‌توانستید توانایی خود برای یادگیری از این مشکل را بهبود بخشید؟

۴-۲-۲ موضوع زمان - یادگیری، عکس‌العمل و بازخورد سرعت.

اصلاح و بهبودی در طول زمان صورت می‌گیرد. محصلی را در مدرسه مجسم کنید. محصل مطالعه می‌کند و تکلیف یا رساله مورد نظر را تحویل می‌دهد. زمان می‌گذرد - هفته‌ها و ماهها سپری می‌شود. شش ماه بعد از تسلیم گزارش، معلم آن را با بازخورد، اعم از اصلاحات یا تحسین و تشویق مسترد می‌دارد. حال همان محصل را در نظر آورید که در کلاس دیگری با معلمی متفاوت رساله‌ای متفاوت را تسلیم می‌کند. دو روز بعد از تسلیم رساله به این معلم دوم، محصل بازخورد را با اصلاحات و تشویقها دریافت می‌کند.

در کدام یک از این موارد آموزش بیشتر تقویت خواهد شد؟ چرا؟

فرض کنید که مراسم عبادی صبح جمعه را دارید که همه را به آن دعوت می‌کنید. از مهمانان می‌خواهید که کارتهای مواضع مورد علاقه را پر کنند. وقتی که کارتها پر شدند، چقدر طول می‌کشد که به این تقاضای اطلاعات پاسخ داده شود؟ فرض کنید که در یکی از این موارد یک یا دو ماه طول بکشد که جواب به این طالبان و جویندگان برسد. فرض کنید که در قضیه دوم لجنه تبلیغ یک "قاعده ۲۴ ساعته" وضع کرده باشد. قاعده از این قرار است که وقتی شخصی تقاضای اطلاعات در مورد امر می‌کند، یکی از اعضاء لجنه تبلیغ، ظرف ۲۴ ساعت، شخصاً با متقاضی تماس گرفته سؤالات او را پاسخ می‌دهد. در کدام مورد شما فکر می‌کنید متقاضی به احتمال بیشتر تقاضای تسجیل خواهد کرد؟

در مورد تأثیر بازخورد تحقیقات زیادی شده و محرز شده است که هرچه بازخورد سریع‌تر

باشد، تأثیر آن بر یادگیری و ایجاد انگیزه بیشتر است. هرچه در بازخورد تأخیر بیشتر اعمال گردد، تأثیرش کمتر و ناچیزتر خواهد بود.

تمرین:

حال، جامعه بهائی خود را در نظر بگیرید. چگونه می‌توان این فوریت بازخورد را در آن اعمال کرد؟ یا افراد یا یک لجنه را در نظر بگیرید و فکر کنید که چگونه می‌توانید این اصل را برای تقویت پیشرفت و اصلاح مستمر آن به کار ببرید.

۵-۲-۲ در طلب اصلاح و بهبودی، دانش، مهارت و انگیزه را در نظر بگیرید.

تمام یادگیری‌ها یکسان نیستند. انواع مختلف یادگیری وجود دارد که بر توانایی‌ها و صلاحیت‌های مختلف تأثیر می‌گذارد. دانش عبارت از اطلاعات است، عبارت از داده‌هایی در مخزن؛ داده‌های مغز شما است. تحصیل باعث فزونی دانش می‌شود. خواندن یک کتاب یا گوش دادن به یک سخنرانی می‌تواند دانش شما نسبت به یک موضوع را تزاید بخشد.

مهارت کاملاً متفاوت است. فرض کنید شما می‌خواهید یاد بگیرید که در هر دقیقه هشتاد کلمه را تایپ کنید. آیا دانش نسبت به صفحه کلید، محل قرارگیری کلیدها باعث حصول این هدف خواهد شد؟ خیر. تایپ کردن یک مهارت است و به طریقی کاملاً متفاوت با دانش حاصل می‌شود. مهارتهایی چون تکلم به یک زبان، نواختن یک وسیله موسیقی یا انجام دادن یک بازی یا ورزش، تنها از طریق مقداری دانش و بعد تمرین و بازخورد حاصل می‌گردد. تمرین، تمرین و تمرین - تمرین عنصر اساسی در توسعه مهارتهاست.

انگیزه نیز امری متفاوت است. انگیزه عبارت از "خواستن" است نه "توانستن" دانش و مهارت قادر می‌سازند، یعنی "توانستن" را ایجاد می‌کنند. اما انگیزه ناشی از چیست؟ انگیزه عمده منبعث از پیامدها و نتایج - بالاخص پاداشها، قدردانی‌ها و تحسینهاست.

تمرین:

مسئله و مشکلی در اجرای امور را در نظر بگیرید که در سال گذشته جامعه شما با آن روبرو شد. آیا این مسئله ناشی از دانش، مهارت یا انگیزه بود؟ آیا سعی کردید با دستورالعملی که شامل نوع مناسبی از یادگیری باشد این اجرا را اصلاح کرده بهبود بخشید؟

۶-۲-۲ اکثر مشکلات در جریان امور است نه در فرد.

اکثر مسائل مربوط به جریان امور، در نحوه انجام دادن کارها است با این حال اغلب ما فرد را ملامت می‌کنیم و در اصلاح جریان قصور می‌نماییم. فرد را تغییر می‌دهیم و سپس از این موضوع متحیر می‌شویم که فرد جدید به طریقی مشابه شخص قبلی عمل می‌کند.

لطمه وارد کردن به وسیله شماتت افراد به علت مشکلات و مسائل، تولید ترس و احساس گناه، و طرد کردن و راندن نفوسی که می‌توانستند در امور جامعه ما مشارکت نمایند، کاری بسیار متداول است. یک جریان عبارت از مجموعه‌ای از فعالیت‌های و یک رشته از اقدامات است که هماهنگ می‌گردد تا به نتیجه‌ای واصل شود. برنامه‌ریزی کلاسهای درس اخلاق یک جریان است. برنامه‌ریزی مراسم عبادی و جلسه دعا، یک اقدام تبلیغی یا یک کنفرانس، یک جریان است.

فرض کنید از کسی می‌خواهید یک کنفرانس را برنامه‌ریزی کند. به او گفته‌اید که می‌خواهید پانصد نفر در این جلسه حضور پیدا کنند، و میل دارید از سخنرانانی که در بُعد ملی شناخته شده‌اند استفاده شود، می‌خواهید به نحوی بسیار باشکوه و مجلل ظرف چهار هفته و با حداقل مخارج برگزار شود. بسیار عالی! شوریدگی و التهاب ناشی از فعالیت را در نظر مجسم کنید که آن فرد خوش‌نیت و صافی‌قلب از خود نشان می‌دهد تا منطبق با موازین خواسته شده عمل نماید. البته فرد یا افراد مسئول از عهده بر نخواهند آمد. کنفرانس احتمالاً با پریشانی و آشفتگی روبرو خواهد شد و اکثر موازین خواسته شده تأمین نمی‌گردد. او یا آنها ممکن است به علت مهارت ضعیف در برنامه‌ریزی کنفرانس مورد ملامت قرار گیرند. آنها ممکن است

نسبت به خدمات آینده دلسرد و سرخورده شوند. آیا مقصّر آنها هستند. البته که آنها نیستند. جریانی که به این کنفرانس منجر گردید باید سرزنش شود. نحوه برنامه ریزی و اقدامات منجر به آن امری غیر ممکن بود. این یک مشکل جریانی امور است، نه مسأله‌ای که بتوان با سرزنش فرد یا افرادی آن را حل کرد.

تمرین:

تلاشی را که در جامعه شما در یک یا دو سال گذشته انجام شده است در نظر آورید. جریان امر چه بود که به این مجهودات منجر شد که نتیجه آن توفیق یا شکست بود؟ ذیلاً فرایندهای برنامه ریزی تفصیلی و اصلاح امور را مورد بحث قرار خواهیم داد.

۷-۲-۲ نگاه داشتن حساب کار به بهبود امور منتج می شود.

تجربه کردن نتایج موجب افزایش یادگیری و نیز انگیزه می گردد. هر ورزشی شامل یک مکانیزم نگهداری امتیازات است. این صرفاً به این دلیل نیست که یک ورزشکار یا یک تیم با دیگری به رقابت می پردازد. دهنده‌ای که طالب بهبود آمادگی و کفایت خویش است، مسافتی را که هر روز، هفته یا ماه می دود، مسافتی را که در یک دقیقه طی می کند، و ضربان قلب را در انتهای مسافت معینی که پشت سر می گذارد، اندازه می گیرد. چرا آنها در اجرای امور خود حساب را نگاه می دارند؟ ما می سنجمیم یا حساب را نگاه می داریم چون برانگیخته می شویم که میزان پیشرفت را مشاهده نماییم. تماشاچیان فریاد شادی می کشند و تشویق می کنند، ورزشکاران تمرین می نمایند، دوندگان عرق می ریزند تا نتایج را تجربه کنند.

مؤسسات تجاری دریافته اند که بیان نتایج و ملموس کردن ماحصل کارها برای تمامی کارکنان تأثیرات مثبتی بر انگیزه آنها دارد. هر فرایند پیشرفت کیفی عملاً شامل شرح و تفصیل مصور و بیان اجرای کیفی با نمودار و نیز ملموس کردن جریانات و فرصتهای پیشرفت می باشد. این تجسم و ملموس ساختن به کارکنان احساس تعلق و مشارکت در پیشرفت می بخشد.

جامعه شما در سال جاری، در مقابل سال گذشته، چه مقدار به صندوق کمک کرده است؟ آیا

این میزان افزایش یا کاهش یافته است؟ احساس شما در این مورد چگونه است؟ چه تعداد مصدقین جدید وجود داشته‌اند؟ چه تعداد در جلسات تبلیغی یا ضیافت شرکت کرده‌اند؟ در عین حال که نباید مستغرق در سنجش‌ها به عنوان یک هدف گردیم، سنجش‌هایی که پیشرفت جامعه در اثر مساعی ما برای ایجاد یک نظم بدیع جهانی را نشان می‌دهند می‌توانند در ما انگیزه ایجاد کرده درسی برای پیشرفت باشند.

اگر یک روش جدید آموزش، یک اقدام جدید در ارتباط با رسانه‌های گروهی، یا یک طریقه جدید برقرار ارتباط در خصوص تبرّعات را می‌آزماییم، اینها چه تأثیراتی دارند؟ بدون نگاه داشتن حساب و آمار نمی‌دانیم و نمی‌فهمیم. نگهداری حساب به یک اقدام سیستماتیک دلالت دارد. نگهداری حساب را یکدفعه نمی‌توان انجام داد. آن را باید هر روز، هر هفته، هر ماه، یا هر سال انجام داد. ارقام را می‌توان روی نمودار آورد و شما می‌توانید مشاهده کنید که آیا ارقام اوج می‌گیرند یا سقوط می‌کنند. این امر هم دانش و هم احساسات را منتقل می‌کند و هر دو می‌توانند در پیشرفت و تقدّم مؤثر باشند.

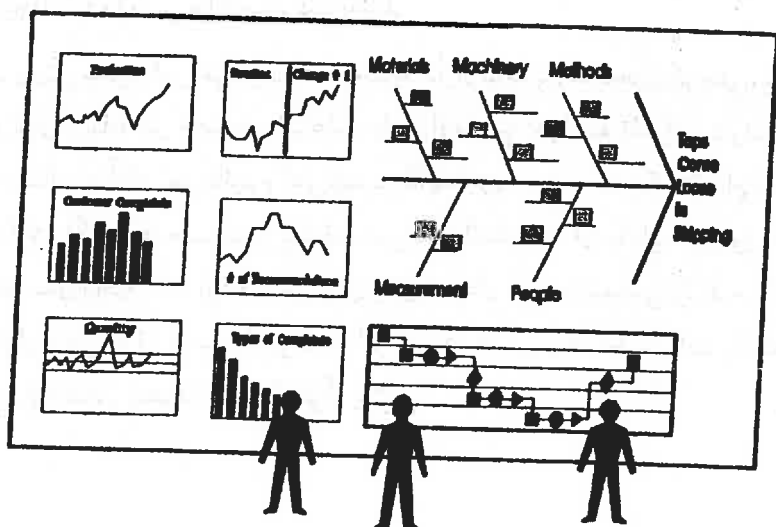
تمرین:

چگونه می‌توانید از یک عمل ساده نگهداری حساب و ارقام در افزایش پیشرفت و ترقی در جامعه خود استفاده کنید؟

۳- "تفکر درباره سیستمها" را بیاموزید

برای سیستماتیک شدن، درک ماهیت سیستمها و توانایی تحلیل جامعه بهائی و اجزاء آن به عنوان یک سیستم، مفید خواهد بود. تفکر درباره سیستمها به این علت سودمند است که به درک وحدت عناصر مختلف، و ارتباط متقابلی که به طور مداوم و مستمر بر حیات جامعه تأثیر می‌گذارد، منجر می‌شود.

وقتی که یک سیستم را در نظر می‌گیریم دو ارتباط مهم در اینجا وجود دارد. اول، ارتباط یک



سیستم با محیط آن است و دوم روابط متقابل، فعال و پویا، در درون سیستم است.

یک سیستم چیست؟ شاید آسانترین راه برای درک سیستمها افکندن نگاهی به یکی دو مثال باشد. یک دریاچه یا استخر یک سیستم است. آب از چشمه‌ای یا نهری وارد می‌شود. حیوانات وارد استخر می‌شوند. آلاینده‌ها ممکن است وارد استخر شوند. یک استخر یک موجود زنده با جریان‌ات متفاوت حیات و مرگ است که درون استخر رخ می‌دهد. فرایندهای شیمیایی عبارت از چیزهای متغیر درون استخر هستند. بعد، استخر محصولی به صورت آبی که از آن خارج می‌شود و حیاتی که استخر را ترک می‌گوید، تولید می‌کند. این یک سیستم

کامل است. ورودی، یک جریان، و خروجی عبارت از سه عنصر اساسی هر سیستمی است. تمامی زیست‌بوم‌ها سیستم هستند. زیست‌بوم یک کشور، یک جنگل، یک اقیانوس؛ با درک ورودی‌ها، جریانات تغییر و تحولی که درون آنها صورت می‌گیرد، و خروجی‌های آنها، همه آنها را نمی‌توان تجزیه و تحلیل نمود. یک مؤسسه تجاری یک سیستم است. فی‌المثل یک رستوران دارای مردمی است که وارد آن می‌شوند، و نیز مواد خام و اطلاعات که وارد می‌شود و بعد تمامی اینها متحول می‌گردند تا خروجی به صورت گوستی که کسی می‌خواهد بخرد، تولید شود - و بازهم ورودی‌ها، یک جریان، و خروجی‌ها.

این امر چه ارتباطی با جامعه بهائی دارد؟ آیا اینها ورودی هستند؟ آیا جریاناتی وجود دارد که از این ورودی‌ها استفاده کرده آنها را تغییر می‌دهند؟ آیا اینها خروجی هستند؟ نه تنها جوامع بهائی، بلکه تمامی جوامع، کشورها، روستاها و فرهنگها سیستمهایی با همین عناصر هستند. با درک این عناصر شما می‌توانید به راحتی بفهمید که چرا یک جامعه، مثلاً در آتلانتا یا شیکاگو، به طور اجتناب‌ناپذیری با جامعه‌ای در یک شهر کوچک زراعتی متفاوت است. چون ورودی‌های آن متفاوت است، جریانات مربوط به آن نیز ضرورتاً متفاوت خواهد بود و خروجی‌ها نیز تفاوت خواهد داشت. شما می‌توانید مشاهده کنید که وقتی ورودی‌ها تغییر می‌کنند (فی‌المثل افزایش تعداد مؤمنین جدید)، در جریان امور نیز باید تغییراتی صورت گیرد. اگر نمودار زیر را مورد بحث قرار دهیم و ملاحظه کنیم که چگونه این نمونه سیستمها در جامعه بهائی ما به کار گرفته می‌شود، می‌تواند برای ما مفید باشد. شما انواع احتمالی ورودی، یک جریان و خروجی را مشاهده خواهد کرد. خروجی‌ها مربوط به فرد می‌شود. چه کسی خروجی‌ها را دریافت می‌کند یا مورد استفاده قرار می‌دهد؟ در یک مؤسسه تجاری به این افراد مشتری گفته می‌شود. یک سازمان غیرانتفاعی ممکن است نفوسی را که دریافت‌کننده خروجی‌ها هستند سهامدار بنامد.

مقصود این نیست که این نموداری "صحیح" برای یک جامعه بهائی است؛ بلکه صرفاً مثالی برای تسهیل تفکر ما است.

سیستم یک جامعه

ورودی‌ها	ارزشها	دیدگاه	خروجی‌ها	سهامداران ما
مردم			مردم	
اطلاعات	جریان‌ات داخل یک سیستم		اطلاعات	
پول			پول	
مواد	مأموریت		مواد	

هر یک از ورودی‌ها و خروجی‌ها در نمودار فوق مقولاتی بزرگ و جامع هستند. در هر یک از آنها اجزاء مختلفی وجود دارد و جریان‌ات متفاوتی در جامعه ممکن است بر این اجزاء متشکله تأثیر بگذارند. فی‌المثل به نمودار زیر توجه نمایید که "مردم" را مد نظر قرار می‌دهد و آنچه را که مردم با خود می‌آورند فرو می‌شکند، مانند امیال، مهارت‌ها و نیازها.

ورودی‌ها	جریان‌ات متحوّل کننده	خروجی‌ها
مردم		مردم
صبتدیان میل به خدمت مهارتها و استعدادها نیازهای خانوادگی		مؤمنین جدید
مؤمنین قدیمی مثل به خدمت مهارتها و استعدادها نیازهای خانوادگی		مؤمنین قدیمی

تمرین:

سعی کنید نمودار فوق را به توجه به جامعه فوق تکمیل کنید. شاید بخواهید از آلبوم نمودارها استفاده کرده نمودار دیگری بسازید و انواع مختلف نفوسی را که وارد جامعه شما می‌شوند و نیازها، استعدادها و امیال منحصر به فرد آنها را در این نمودار به صورت فکری بکر نشان دهید. سپس سؤال کنید، "چه جریان‌اتی در جامعه ما بر این افراد تأثیر می‌گذارند؟" نتیجه یا "خروجی" این جریان‌ات چه هستند؟ این اولین قدم در سیستم‌تیک شدن در خصوص نگاه به جریان‌ات جامعه می‌باشد. این امر صرفاً مشخص می‌کند این جریان‌ات چه هستند، یا چه می‌توانند باشند. بعد به نحوه بهبود آنها به وسیله برنامه‌ریزی و تحلیل فرایندها نگاهی خواهیم انداخت.

یک درک مفید دیگر از سیستم‌ها عبارت از درک روابط درون یک سیستم است. درون هر سیستمی، سیستم‌های فرعی یا سیستم‌های جزئی تشکیل دهنده هستند. فی‌المثل، درون بدن انسان یک سیستم هاضمه، یک سیستم تنفسی، یک سیستم عصبی، یک سیستم شریان اکلیلی، و غیره وجود دارد. برای آن که "احساس راحتی" نمایم، همه می‌دانیم که کارکرد

مطلوب تمامی این سیستمها واجد اهمیت است. می دانیم که بین سیستمهای فرعی بدن انسان "وابستگی متقابل" وجود دارد. فی المثل، سیستم عصبی ما می تواند مشکلاتی را برای سیستم تنفسی یا گوارشی ایجاد نماید. مشکلی در یک سیستم غالباً به مشکلاتی در سایر سیستمها منجر می گردد.

این ماهیت تقریباً تمامی سیستمها است. وابستگی متقابل، یا وحدت، در حد بالایی بین اجزاء یک سیستم وجود دارد. غالباً این اشتباه را مرتکب می شویم که فکر می کنیم می توانیم تنها یک سیستم را تعمیر کنیم زیرا این همان جایی است که مشکل را لمس می کنیم. اما معمولاً علت اصلی و ریشه ای یک مشکل در یک سیستم دیگر است.

در امر تجارت این موضوع را به سهولت می توان مشاهده کرد. محصولات شرکت به اندازه کافی به فروش نمی رسد. مشکل کجاست؟ نمونه ساده این است که بخش فروش به اندازه کافی و مطلوب فعالیت نمی کند. سیستم فروش و بازاریابی مشکل دارد. اما شاید مشتریان دریافته اند که کیفیت محصولات تولیدی شرکت نسبت به فرآورده های رقبای از مرغوبیت کمتری برخوردار است. شاید مشکل در سیستم تولید نهفته باشد. اما در این صورت سیستم تولید ممکن است بگوید مشکل اصلی در طراحی و مهندسی محصول است. حال، مشکل در سیستم مهندسی است. تمامی این امر مشکل جدی در سیستم مالی ایجاد کرده اوضاع را کاملاً آشفته می سازد. یک سازمان اشتراکی، مانند بدن انسان، یک سیستم مرکب با سیستمهای فرعی وابسته به هم است.

می توانید مشاهده کنید که برای حل مؤثر مسائل بررسی این روابط درونی بین سیستمها اهمیت دارد.

حال این موضوع را چگونه می توان در جوامع بهائی مورد استفاده قرار داد؟ اگر جامعه ما بسیار کوچک و متشکل از فقط چند نفر از احبّاء باشد، یک سیستم نسبتاً ساده است. اما، وقتی که رشد می کند به نحوی فزاینده دارای سیستمهای فرعی خواهد بود که بر یکدیگر تأثیر می گذارند. فی المثل، جامعه ممکن است یک لجنه تبلیغ داشته باشد. ممکن است یک مؤسسه آموزشی نیز داشته باشد. شاید از یک حظیره القدس و یک لجنه حظیره القدس نیز برخوردار باشد. احتمالاً یک لجنه کلاسهای درس اخلاق هم دارد. و البته، لجنه تبرّعات نیز می تواند داشته باشد. هر یک از آنها ممکن است یک سیستم مجزاً مشاهده شوند. اما، آنها به وضوح تام

سیستم‌های فرعی وابسته به هم درون یک سیستم بزرگتر جامعه هستند. دقیقاً مانند سیستم تجاری، مسائل در یک سیستم ممکن است در سایر سیستمها احساس شود.

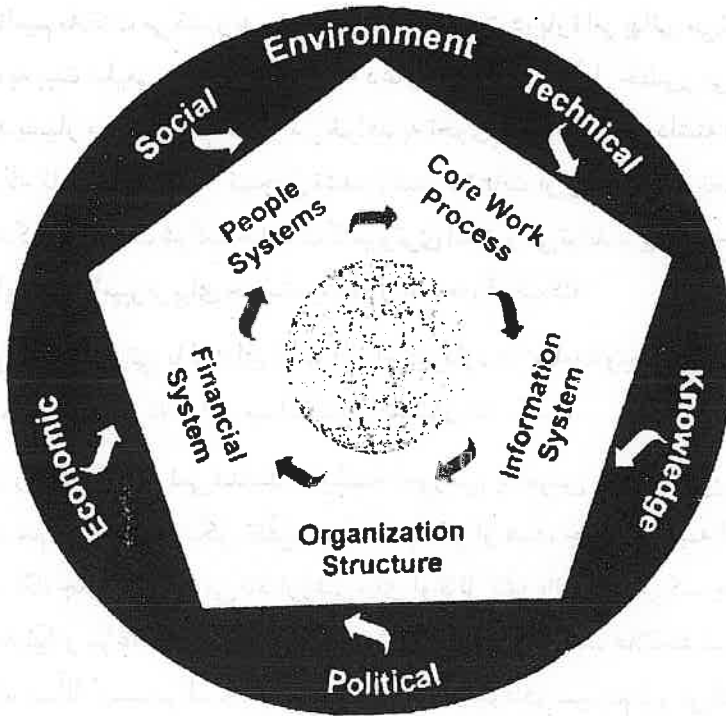
فی‌المثل، ممکن است لجنه بسیار فعال تبلیغ یک رشته جلسات دعا و مناجات را در روز آخر هفته در کمال زیبایی تشکیل داده اداره نماید. یکی از احبّاء در صف صندوق بانک با مردی که او را جان می‌نامیم ملاقات می‌کند و به نحوی شروع به صحبت درباره امر بهائی می‌نماید. جان مجذوب شده به بیت تبلیغی می‌آید و در جلسه دعای صبح روز تعطیل حضور می‌یابد. او به احبّاء می‌گوید بسیار مجذوب امر شده و می‌خواهد به نحوی مشارکت مالی داشته باشد. به او گفته می‌شود که تا وقتی که رسماً تسجیل نشده باشد، تبرّعات از وی پذیرفته نخواهد شد. جواب می‌دهد که دارای یک شرکت خدمات کامپیوتری است و می‌تواند با یک طرح خدماتی، مثلاً یک آزمایشگاه کامپیوتر برای خدمت به اطفال جامعه، کمک کند.

متأسفانه هیچ طرح خدماتی یا لجنه‌ای که به این امر بپردازد در جامعه وجود ندارد که با جان تماس بگیرد و به او بگوید که از این مساعدت او استقبال شده است.

لجنه تبلیغ آن را یک مشکل نمی‌شناسد. مؤسسه آموزشی یا نفوس مسئول تزئید معارف مؤمنین جدید هم آن را یک مشکل تلقی نمی‌کنند. بالاتر از همه، جان هنوز به امر بهائی نپیوسته است. اما، جان احساس می‌کند ارزشی برای او قائل نشده‌اند. فکر می‌کند جامعه بهائی واقعاً به مساعدتها و تبرّعات، و خدماتی که او مایل است عرضه کند، علاقمند نیست. این نمونه‌ای از یک مسأله "سیستم" است. جان از شکافهای موجود در سیستم فرو می‌افتد. سیستم هیچ فرصتی برای بهره‌برداری از نیرو و مساعدت جان فراهم نمی‌آورد. شاید نقصی در اجزاء موجود در سیستم وجود دارد، یعنی فقدان یک طرح یا لجنه توسعه اجتماعی و اقتصادی احساس می‌شود.

با رشد جوامع ما، با افزایش نیاز ما به سیستماتیک‌تر شدن، به نحوی فزاینده محتاج درک این روابط هستیم. شاید یک الگوی ملموس و قابل مشاهده از سیستم جامعه ما بتواند مفید باشد. یک سازمان غیرانتفاعی از این الگوی سیستم سازمان خود برای تحلیل نحوه و محل نیاز به بهبود برنامه‌ریزی راهبردی و اساسی استفاده می‌کند. توجه داشته باشید که این الگو محیط زیست خارجی شامل قوای اجتماعی، فنی، اطلاعاتی، سیاسی و اقتصادی را که بر سیستم تأثیر می‌گذارند نشان می‌دهد. بعد سیستم‌های فرعی سیستم‌های مردم (آموزش و توسعه،

جذب قوای انسانی جدید و غیره)؛ جریان کار اصلی (اقداماتی در خصوص نحوه کار آنها)؛ سیستم‌های اطلاعاتی آنها، ساختار سازمانی آنها و سیستم‌های مالی آنها را توصیف می‌کند.



آنها به این توافق رسیده‌اند که این پنج سیستم، سیستم‌های فرعی کلیدی آنها هستند. نیازهای این سیستم‌های فرعی بر محیط زیست خارجی اثر می‌گذارد. فی‌المثل، ایجاد تکنولوژی‌های بدیع یا تحولات جدید در شرایط اقتصادی بر سیستم‌های فرعی فنی و مالی آنها تأثیر خواهد گذاشت. برنامه‌ریزی آنها مستلزم ارزیابی این تحولات خارجی، و بعد تعیین نحوه لزوم انطباق جهت حصول اهداف می‌باشد. این سیستم‌های فرعی نیز تحت تأثیر بینش، رهبری، سیاست و ارزشهای داخلی است.

فلش‌های نمودار فوق روابط متقابل بین سیستم‌های فرعی و وابستگی متقابل آنها را به نمایش می‌گذارد. این از آن جهت اهمیت دارد که تحولات تکنولوژی ممکن است مستلزم تغییراتی در مهارت‌های اعضاء سازمان باشد. یا، تحولات در سیستم مالی ممکن است بر تمامی سیستم‌های دیگر تأثیر بگذارد.

چنین نموداری نمی‌تواند به طور کامل واقعیت پیچیدگی سیستم‌های یک سازمان را به نمایش بگذارد. معهذ، می‌تواند در روشن کردن تفکر و مطرح ساختن سؤالات در خصوص نحوه نیاز یک سازمان به بهبود بخشیدن به وضع موجود مفید باشد. به نفوس کمک می‌کند در مورد نحوه بهبود بخشیدن به سازمان به طور سیستماتیک بیندیشند.

این صرفاً یکی از طرق بسیاری است که می‌توان سیستم‌های یک سازمان یا جامعه را به تصویر کشید.

تمرین:

چرا سعی نمی‌کنید سیستم جامعه بهائی خود و سیستم‌های فرعی آن را به تصویر بکشید. یک نمودار سفید ذیلاً آورده می‌شود. آن را با سایرین به بحث بگذارید و آن را به نحوی تکمیل کنید که به جامعه شما مربوط باشد.

به یاد داشته باشید که برای این کار فقط یک طریقه صحیح منحصر به فرد وجود ندارد. اما تمرین تفکر در خصوص نحوه نمایش دادن این ارتباطها برای ایجاد بینش نسبت به این نکته که جامعه واقعاً چگونه فعالیت می‌کند، مفید است.

در این مقاله بحث شده است که چگونه می‌توان به کمک سیستم‌های اطلاعاتی و سیستم‌های مدیریت منابع انسانی، به بهبود عملکرد سازمان‌ها پرداخت. در این راستا، به بررسی نقش سیستم‌های اطلاعاتی در تصمیم‌گیری‌ها پرداخته شد. همچنین، به بررسی نقش سیستم‌های مدیریت منابع انسانی در بهبود بهره‌وری پرداخته شد. در نهایت، به بررسی نقش سیستم‌های اطلاعاتی و سیستم‌های مدیریت منابع انسانی در بهبود عملکرد سازمان‌ها پرداخته شد.



نوع دیگر سیستم همان است که بیت‌العدل اعظم در دستخط مورخ ۹ ژانویه ۲۰۰۱ خطاب به مشاورین به آن اشاره فرمودند. این دستخط به "مجموعه‌ها"^(۱) به عنوان جنبه‌ای از برنامه‌های سیستماتیک رشد اشاره می‌کند. یک مجموعه عبارت از گروهی از جوامع احتمالاً سازمان یافته بر اساس منطقه است که نیازها یا وجوه تشابه خاصی دارند.

مزیت یک مجموعه توانایی آن در استفاده بهینه از منابع است. فی‌المثل، به مثالی که در مورد

جان زدیم که، با این که هنوز تسجیل نشده بود، می‌خواست به نحوی در فعالیت‌های جامعه بهائی مشارکت داشته باشد توجّه کنید. فرض کنید در کشور سه محفل روحانی محلی وجود داشته باشد. یکی از این محافل از یک طرح توسعه اجتماعی و اقتصادی حمایت می‌کند که شامل آموزش جوانان بعد از مدرسه است. حال نگاهی به نمودار زیر بیندازید و دلالات آن به عنوان یک سازمان، یا "مجموعه" شامل چند جامعه را مدّ نظر قرار دهید. فرض کنید که جوامع مختلف شامل افرادی با علائق خاصّ مانند انعقاد کلاسهای درس اخلاق، ایجاد یک گروه همسرایان، توسعه اجتماعی و اقتصادی، یا تزئین معلومات در زمینه تاریخ امرالله باشند. این نمودار چگونه ممکن است به نشان دادن مفهوم یک مجموعه مساعدت نماید؟

۴- جریان امور را برنامه‌ریزی کنید.

همه ما این ضرب‌المثل را شنیده‌ایم که یک تصویر به اندازه هزار کلمه ارزش دارد. توانائی مشاهده یک نمودار، تصویری از اطلاعات، یا نقشه‌ای از یک جریان، تأثیری سحرآمیز دارد. در یک گروه که با یکدیگر به برنامه‌ریزی یک فرایند می‌پردازند و می‌پرسند، "کدام مرحله باید اول واقع شود؟"، "کدام مرحله بعد از آن واقع می‌شود؟" و "چه کسی این اقدام را انجام می‌دهد"، قدرت و توان وجود دارد. صرف اقدام به قرار دادن مراحل امر روی یک تابلو یا آلبوم نمودارها و بحث در مورد ردیف اجرای آنها فرایندی است که به گروه کمک می‌کند در تفکر خود سیستماتیک‌تر باشد.

نگرش‌ها نسبت به بهبود جریان امر:

- ۱- اکثر مشکلات در جریان امر است، نه در فرد!
- ۲- فرد را سرزنش نکنید، جریان امر را اصلاح کنید.
- ۳- هر جریان امری را می‌توان، مستمراً الی‌الابد، اصلاح کرد!
- ۴- مشکلات امری عادی هستند و هر یک از آنها فرصتی برای یادگیری است.
- ۵- سنجش جریانات به بهبود امور منجر می‌گردد.
- ۶- هر جریانانی باید "جوابگویی" داشته باشد یا گروهی که مسئولیت اجرا و اصلاح آن را به عهده بگیرد.
- ۷- اگر جریان امر را بشناسیم، "می‌دانیم چه می‌کنیم".

راهنمای کاملتری برای برنامه‌ریزی جریانات را می‌توان در مقاله‌ای تحت عنوان "بهبود بخشیدن به جریانات جامعه: حصول انسجامی پویا بین وجوه عملی و روحانی حیات" یافت. این مقاله اقدامات ساده‌ای را بیان می‌دارد که شما می‌توانید برای برنامه‌ریزی

جریانات جامعه انجام دهید. می‌توانید آن را از سایت Mottahedeh Development Services به نشانی www.mdssed.org دریافت نمایید.

برنامه‌ریزی امور را در هر سطحی از پیچیدگی می‌توان انجام داد. فی‌المثل، ذیلاً توصیف بسیار ساده‌ای از یک فرایند تبلیغی ارائه می‌گردد. در نظر داشته باشید که این یکی از دهها، بل صدها، طریقه ممکن برای برنامه‌ریزی یک جریان تبلیغی است.

لجنة تبلیغ						مخضل روحانی محلی		
اشتغال به خدمت	مؤسسات آموزشی	استقبال از مؤمنین جدید	تسجیل مؤمنین	پیگیری فردی	جلسات بیت تبلیغی، خدمات کارگاهی	تهید آموزش و تعلیم برای تبلیغ	تشکیل لجنة تبلیغ	تنظیم برنامه تبلیغی

این نقشه را می‌توان توسعه داد یا برای هر یک از مراحل فوق تفصیلات بیشتری را پیش‌بینی کرد. طرح زیر تشریح ابتدای این طرح است. در اینجا برای مرحله "تنظیم برنامه تبلیغی" اقدامات فرعی در نظر گرفته شده است. این یک طرح کامل نیست. می‌توانید اقدامات فرعی دیگری برای تکمیل آن بیندیشید؟ می‌توانید یک یا دو مرحله اصلی را در نظر گرفته اقدامات فرعی برای آنها در نظر بگیرید.

؟؟	ارزیابی فرهنگ محلی	برآورد نیازهای جامعه	برآورد منابع جامعه	آموزش پیامهای معاهد اعلی	تنظیم برنامه تبلیغی
----	--------------------	----------------------	--------------------	--------------------------	---------------------

شاید مهم‌ترین سؤالی که موقع تفکر در خصوص نقشهٔ چنین فرایندی مطرح می‌گردد این باشد که چگونه این برنامه به مؤثرترین وجه به خدمت به مؤمنین جدید کمک می‌کند؟ آیا روشن ساختن جریان امر به مؤمنین جدید کمک می‌کند که در امر عمیق‌تر شوند و در جامعه یک عنصر فعال گردند؟ آیا این برنامه به بهره‌برداری از استعدادها و قابلیت‌های او کمک می‌کند؟

نقشهٔ زیر مفصل‌تر است. آن را "نقشهٔ روابط" می‌نامند زیرا شامل "ایفا کنندگان" در جریان امر است؛ صرفاً به مراحل نمی‌پردازد بلکه به نفوس که آن را انجام می‌دهند می‌پردازد. یعنی یک بُعد دیگر به آن می‌افزاید که نحوهٔ همکاری نفوس با یکدیگر و نحوهٔ جریان و سریان امور در میان نفوس است. اگر کارها همزمان انجام بشوند، مراحل آنها در یک خط عمودی روی هم واقع شده است. در غیر این صورت، آنها در یک خط افقی از سمت راست به چپ به ترتیب زمانی آورده شده و به طرف فرد یا گروهی که وظیفه را انجام می‌دهد حرکت می‌کند. این کار اطلاعات زیادی فراهم می‌آورد که به اصلاح جریان و نیز تشخیص محل مشکل و مسأله کمک می‌کند.

این برنامهٔ یک فرایند است که به این سؤال پاسخ می‌دهد: "وقتی کسی در جامعهٔ بهائی تسجیل می‌شود، برای الحاق او به حیات و فعالیت‌های جامعه چه باید کرد؟" برای هر یک از مراحل شماره گذاری شده تعریفی وجود دارد. اما، صرف نگاه کردن به این نمودار سؤالاتی را در ذهن شما مطرح می‌سازد. این نمودار به شما کمک می‌کند مواضع مختلف را شناسایی کنید و باعث

می‌شود از خود پرسید، "آیا ما همین کار را می‌کنیم؟" یا "آیا این بهترین راه است؟" یا "آیا می‌توانم راه بهتری پیدا کنم؟" هدف از برنامه‌ریزی یک فرایند تعریف یک طریقه "صحیح" نیست، بلکه توافق در خصوص طریقه‌ای است که جامعه می‌تواند در زمینه پیگیری، ارزشیابی و اصلاح تلاش نماید.

اغلب، ما یک تجربه را تکرار می‌کنیم و از بحث و مذاکره در خصوص آنچه که مؤثر بوده و آنچه که مؤثر نبوده غافل می‌مانیم. فرض کنید مبتدی بعدی که تسجیل می‌شود این فرایند را دنبال می‌کند. در این صورت می‌توانید از فرد مزبور سؤال کنید نظر او در مورد این جریان چیست و برای اصلاح و بهبود آن چه پیشنهادی دارد. این سؤال را برای هر فرد مسجل جدیدی می‌توان مطرح ساخت. نهایتاً یک طریقه بسیار مؤثر برای مساعدت به مؤمنین جدید جهت ورود در خدمات و فعالیت‌های جامعه می‌توانید پیدا کنید. شما و جامعه شما به طور سیستماتیک بهبود خواهد یافت.

ایفاکنندگان نقش در فرایند	فرایند تبلیغ مبتدی و ورود او به جامعه
محل روحانی محلی	۱
لجنة ارتباط جمعی	۲ ۳ ۶ ۷
مبتدی	۴ ۵ ۱۰ ۱۳ ۱۵ ۱۶
مبلغ	۸ ۹ ۱۱
مؤسسه آموزشی	۱۴ ۱۷
لجنة خدمت	
لجنة ضیافت	
منشی محفل	

فعالیت‌ها، تصمیمات و تأخیرات به ترتیب زمان وقوع

تمرین:

روی یک چارت فهرستی از فرایندهای مختلفی را که در جامعه شما رخ می‌دهد یا ممکن است

لازم باشد که رخ بدهد بنویسید. بعد یکی از آنها را انتخاب کرده نقشه "روابط" مانند برنامه فوق را برای آن ایجاد کنید.

۱- اول فرایند را تعریف کنید تا درک مشترکی ایجاد شود که فرایندی که نقشه‌اش را دارید ترسیم می‌کنید دقیقاً چیست.

۲- دوم، بیان نمایید که این فرایند به چه هدفی باید نایل گردد. چگونه درخواهید یافت که فرایند به خوبی عمل می‌کند؟

۳- سوم، در سمت راست ایفا کنندگان احتمالی نقش در این فرایند را فهرست کنید. بعد با استفاده از برجسب مراحل اجرای آن را تعیین کنید و به ترتیب شخص یا گروهی که آن مرحله را به اجرا در می‌آورد شماره گذاری نمایید. استفاده از برجسب مفید است زیرا می‌توانید بعد از بحث و مذاکره جای آنها را تغییر دهید. بعد می‌توانید فرایندی را که مورد توافق قرار گرفته است روی چارت پیاده کنید.

۴- چهارم، سؤال کنید، "این فرایند در اختیار کیست؟" چه کسی مسوول آن است؟ چه کسی باید آن را به اجرا بگذارد و از موفقیتها و شکستهایش درس گرفته آن را اصلاح نماید؟ این شاید مهم‌ترین و خطرناک‌ترین مرحله باشد.

۵- احاله مأموریت و پیگیری جریان

توانایی مأموریت دادن، یعنی در اختیار گرفتن منابع جامعه برای رشد بسیار ضروری و اساسی است. دو دلیل برای این کار وجود دارد: اول، انجام دادن تمام وظایف برای نه نفر اعضاء محفل روحانی بسیار مشکل و پیچیده خواهد بود؛ دوم، استفاده از سایرین برای متعهد بودن، رشد و توسعه آنها بسیار اساسی و واجب است. حضرت ولی امرالله بر این نکته تأکید می‌فرمایند:

"اولین خصیصه رهبری در میان افراد یا محافل عبارت از استعداد استفاده از قوی و قابلیت‌هایی است که در میان اعضاء عادی جامعه وجود دارد. و الا اعضاء لایق‌تر جامعه جای خود را مرتباً تغییر می‌دهند و سعی می‌کنند تا در جای دیگر زمینه‌ای برای فعالیت بیابند و قوای خود را در آنجا مصروف سازند. حضرت شوقی افندی امیدوارند محافل روحانیه در

برنامه‌ریزی فعالیت‌های تبلیغی نهایت مساعی خویش را مبذول دارند تا فرد فرد اجباء را در خدمات مشغول سازند." (ترجمه - از توفیق مبارک ۳۰ اوت ۱۹۳۰ که از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به محفل روحانی ملی آمریکا و کانادا مرقوم شده است.)

بسیاری از محافل مبادرت به مساعی سیستماتیک را دشوار می‌یابند چون تفویض مسئولیت به نفوس را فراموش کرده‌اند. فرض کنید ناگهان در جامعه‌ای قرار می‌گیرید که مربوط به صد سال بعد است. امر مبارک سالها قبل وارد دوره "دخول افواج مقبلین" شده است. جامعه شما هزار نفر عضو دارد و هر هفته ده عضو جدید به آن می‌پیوندند. دارای یک حظیره القدس و یک مدرسه بهائی هستید. هر هفته شاهد، ازدواجها، تولدها، مرگها و سایر احوال شخصیه و بحرانها می‌باشید. امور جامعه را چگونه اداره خواهید کرد؟ آیا محفل روحانی محلّی در مورد هر مؤمن جدید به مشورت می‌پردازد؟ آیا محفل روحانی مستقیماً امور مدرسه و حظیره القدس را اداره خواهد کرد؟ بهترین نحوی که محفل روحانی می‌تواند وقت خویش را مصروف دارد چیست؟

بدیهی است، اگر بخواهید آشفتگی و هرج و مرج در این جامعه وجود نداشته باشد، محفل روحانی مجبور خواهد بود مسئولیت‌ها را به نحو مقتضی به لجنات و افرادی که شایستگی و قابلیت ایفای آنها را دارند محوّل نماید. حظیره القدس به احتمال قوی محتاج یک متولی است که باید بدانند چه تصمیماتی باید اتخاذ کند. مدرسه بهائی نیاز به یک مدیر یا مسئول، یا هیأت مدیره، با مسئولیت معین و مشخص دارد.

تمامی فرایندهای عمده جامعه الزاماً باید به فرد یا گروهی واگذار گردد. این بدان معنی نیست که محفل روحانی مسئولیت را از خود سلب می‌کند. بلکه، مسئولیت محفل یک وظیفه "مدیریتی" می‌شود، نه یک وظیفه "اجرایی". اکثر ما هرگز در موقعیتی نبوده‌ایم که به جای آن که خودمان امور را اجرا کنیم، وظیفه مدیریت را در مورد سایرین ایفا کنیم. بسیاری از ما راحت‌تر هستیم که کارها را خودمان انجام دهیم. احاله مسئولیت‌ها شاید یک آزمون، یک امتحان باشد. نکات بسیار ساده‌ای که در احاله مسئولیتها باید مد نظر داشت ذیلاً ذکر می‌گردد.

۱-۵ بهترین نفوس را برای یک وظیفه انتخاب کنید.

حضرت ولی امرالله نظم اداری را با تعیین افرادی که بسیاری از آنها ایادی امرالله شدند و

دارای توانایی فوق‌العاده در ایفای وظایف خاصی بودند که لازم بود انجام دهند، نظم اداری را شکل بخشیدند. بسیاری از نفوس فکر می‌کردند که اینها "روحانی"ترین افراد نیستند (گویی ما می‌توانستیم چنین قضاوتی داشته باشیم!). بعضی از آنها خود را خیلی روحانی نمی‌پنداشتند. اما آنها قابل و لایق بودند! آنها می‌دانستند مرمر را چگونه ابتیاع کنند. آنها می‌دانستند امور مالی را چگونه اداره کنند. آنها می‌دانستند با پیمانکاران ساختمانی چگونه کار کنند. آنها می‌دانستند امور حقوقی و ابتیاع اراضی را چگونه انجام دهند. شما به راحتی می‌توانید نفسی را مجسم کنید که بسیار "روحانی" به نظر می‌رسد اما ممکن است برای ایفای این وظایف ابداً کفایت لازم را نداشته باشد. حضرت ولی امرالله نفوس مناسب را برای کارهای مقتضی انتخاب فرمودند و ممکن است خصوصیات "روحانی" را غیر از آنچه که تشخیص می‌دهیم در آنها تشخیص داده باشند. این الگویی است که ما باید مدّ نظر قرار دهیم.

۲-۵ وظایف و مسئولیتها را بنویسید.

وظیفه آن چیزی است که شما می‌خواهید نفسی انجام دهد و مسئولیتها عبارت از پیامدها و نتایج هستند. برنامه‌ریزی کلاسهای درس اخلاق یک وظیفه است. تأمین کلاسهای درس اخلاق هفته‌ای یک مرتبه برای ۲۰ کودک یک مسئولیت است. نوشتن وظایف و مسئولیتها وضوح و شفافیت را به ارمغان می‌آورد، از اختلافات احتمالی می‌کاهد، و صرفاً اساسی برای ارتباط روشن و شفاف است. بیان وظایف و مسئولیتها و مشاوره در مورد آنها با شخصی که دارید به او احاطه مسئولیت می‌نماید، معمولاً به توصیف و تعدیل دوجانبه آنها برای حصول وضوح و شفافیت منجر می‌شود.

۳-۵ معیارها و نشانه‌های پیشرفت را مشخص کنید.

چه زمانی باید پیگیری کنید؟ چه زمانی از پیشرفت مسئولیتی که به نفس دیگر تفویض کرده‌اید باید آگاه شوید؟ همیشه بیان این جمله تأثیری مطلوب دارد، "هر زمان که آمادگی داشتید برای تعیین تاریخ اولین کلاس صحبت کنید، در مورد تشکیل کلاسهای درس اخلاق مذاکره می‌کنیم." فکر می‌کنید کی این کار انجام می‌شود؟ "طی یک ماه، بسیار خوب." چنین توافقی در مورد نشانه‌ها و ملاکها اساس پیگیری قرار می‌گیرد. در اختیار داشتن میقاتی برای

انجام شدن کاری همواره برانگیزاننده است.

۴-۵ مشاورات پیگیری.

تفویض مسئولیت و بعد فراموش کردن مأموریت اشتباه است. این نشانه عدم توجه است، یا این که مسئولیتی که احاله شده واجد اهمیت نیست. پیگیری امور توجه و اهمیت دادن را به نمایش می‌گذارد. همچنین نشان دهنده وقوف و اذعان بر این واقعیت است که وقتی فرد یا گروهی اقدام به انجام دادن کاری می‌کنند، با مشکلات، فرصتها، یا دلایلی برای در پیش گرفتن راههایی متفاوت مواجه می‌گردند. مشاوره پیگیری را نباید به عنوان ارزیابی قضاوتی ملاحظه کرد، بلکه آن را باید فرصتی مشاهده نمود که معلوم شود چه امری مؤثر است، چگونه می‌توان مشکلات را حل و نواقص را رفع کرد و به حال گروه مفید و مساعد بود.

۵-۵ پیشرفت را مورد تشویق قرار دهید.

یکی از الگوهای واضحی که در حیات حضرت عبداله‌اء قابل مشاهده است تشویق مکرر احباء توسط ایشان بود. ایشان تقریباً همیشه تحرّی مدایح نفوس نموده از عیب‌جویی و انتقاد اجتناب می‌فرمودند. آن حضرت همواره جویای یک نقطه قوت، یک علامت پیشرفت بودند و فرد یا گروه را به علت مساعی مبذوله تشویق می‌فرمودند. این نکته مهمی برای ایجاد انگیزه در دیگران است. اکثر ما در انتقاد از خویشان متبخر هستیم. نیازی به کمک نداریم. معهذاً، آنچه که بدان نیاز داریم تشخیص و توجه به مساعی ما است. تشویق کوششهای اندک به مساعی بزرگتر منجر می‌گردد.

اگر محفل روحانی این پنج نکته ساده را مطمح نظر قرار دهد، بدون فشار بی‌مورد و اضافی به قابلیت‌ها و شایستگی‌های خود، می‌تواند یک جامعه بزرگ و مرکب را اداره کنند. اصل بدیهی و متعارف در رهبری این است که شما در جمع کردن نفوسی به دور خود که در امری از امور بهتر از شما هستند، موفق باشید. نفسی در امور مالی متبخر است، کسی در امور کودکان مهارت دارد، شخصی می‌تواند جزئیات امور مربوط به حظیره القدس را بهتر از شما انجام دهد

و غیره. یادگیری نحوهٔ احاطهٔ امور به سایر نفوس کلید اقدامی سیستماتیک در جوامع ما است.

۶- تشویق مداوم - تولید نیرو و انرژی

بیت‌العدل اعظم در دستخط مورّخ ۹ ژانویهٔ ۲۰۰۱ خطاب به هیأت مشاورین قاره‌ای خاطر نشان می‌فرمایند، "بدیهی است که کارآموزی به خودی خود الزاماً تحرّکی خاص در فعالیت‌های تبلیغی بوجود نمی‌آورد. در همهٔ رشته‌های خدمت، احباء به تشویق مداوم نیازمندند ... وقتی کارآموزی و تشویق مؤثر واقع می‌شود جوّی برای توسعه به وجود می‌آید که احباء در آن به وظیفهٔ تبلیغی خویش چون نتیجه‌ای طبیعی از ایمان به حضرت بهاء‌الله می‌نگرند."

هر قدر که مساعی احباء ناچیز و خرد بود، حضرت عبدالبهاء به طور مداوم در کمال احترام و ستایش، آنها را تشویق می‌فرمودند. تقریباً تمام خطابات حضرت عبدالبهاء با تشویق و تحسین نفوسی که ایشان برای آنها صحبت می‌کنند، شروع می‌شود. توقیعات حضرت ولی امرالله مکرراً ماهیت پر جلال و شکوه سرنوشت ما را خاطر نشان می‌ساختند و غالباً وقتی که باید بر نواقص و بی‌کفایتی‌های ما واقف بوده باشند به تقدیر و امتنان از مساعی ما می‌پرداختند. این تشویقها چه علّتی داشت؟ چرا بر کمالات تأکیدی ظاهراً نامتعادل اعمال می‌گشت اما نواقص نادیده گرفته می‌شد؟

محققاً جوابهای بسیاری برای این سؤال وجود دارد. اما، شما به تجربه تأثیر تشویق و انتقاد را می‌دانید. سعی کنید زمانی را به خاطر بیاورید که زمان و نیروی زیادی را صرف یک نقشه یا طرح کردید و از طرف یاران دیگر یا یکی از تشکیلات مورد تقدیر واقع شدید. چه تأثیری بر میزان نیرو و اشتیاق شما گذاشت؟ آیا زمانی را به خاطر می‌آورید که به همین ترتیب نیرو و تلاش زیادی را صرف کردید اما مورد انتقاد و خرده‌گیری واقع شدید؟ در این حالت چه تأثیری بر قوای شما گذاشت؟

انرژی پیشرفت را میسر می‌سازد، موجد حرکت و اقدام است، شعله‌ای است که مدد از محبت نسبت به امر الهی می‌گیرد و به وسیلهٔ تشویق و تقدیر تقویت می‌شود. اگر انرژی نباشد اتومبیل را نمی‌توان هدایت کرد. اگر انرژی نباشد هواپیما از اوج آسمان سقوط خواهد کرد. اگر انرژی نباشد، بهترین و مدبرانه‌ترین نقشه‌ها به اقدامی سازنده منجر نخواهد گردید. چگونه محفل، لجنه یا افراد در جامعه تولید قوی می‌کنند، قوایی که بعد از تولید قابل هدایت باشند؟

فرایند تشویق را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: مواردی که قبل از اجرا واقع می‌شوند و به مراحل اجرایی نیرو می‌بخشند؛ و مواردی که بعد از اجرا واقع می‌شوند و آن را تقویت می‌کنند. مؤسسه سیستماتیک اقدامات اجرایی را که آرزو دارد و آنچه را که می‌خواهد انجام دهد، قبل و بعد از اجرا، مدّ نظر قرار می‌دهد تا انرژی را افزایش دهد و اجرای آتی را برانگیزد.

اول، مواردی که ممکن است قبل از اجرا واقع شوند:

۱-۶ قوه پویای سرمشق و مثال

هر بازیکن جوان بسکتبال با سرمشق قرار دادن مایکل جردن برانگیخته می‌شود. هنرمندان جوان تحت تأثیر آیزاک استرن^(۱)، اریک کلپتون^(۲) یا سایر آبرستاره‌های موسیقی قرار می‌گیرند. تمام بهائیان از جناب بدیع و اعمال تمامی قهرمانان امرالله تأثیر می‌پذیرند. به همان درجه‌ای که ما می‌دانیم آنها چه کردند، چه فداکاری از خود نشان دادند، و چه معیاری رفتاری برای ما قرار دادند، برای اقدام به همان اعمال و رفتار کسب نیرو می‌کنیم. به همان درجه‌ای که حضرت مولی‌الوری، مثل‌اعلای امر الهی را می‌شناسیم، الگو و معیاری داریم که می‌توانیم برای حرکت به سوی او تلاش نماییم.

۲-۶ معرفت نسبت به عالم

آیا مقاله‌ای را که مجله ماهانه آتلانتیک در خصوص وضعیت هولناک و مصیبت‌بار زنان در افغانستان نوشته بود خواندید؟ یا مقاله در خصوص تباهی بهداشت و اقتصاد در روسیه را مطالعه کردید؟ در خصوص انتشار بیماری ایدز در آفریقا و مصایبی که برای کودکان آفریقا به بار آورده است مطلبی خوانده‌اید؟ چرا حضرت ولی امرالله هر روز بسیاری از روزنامه‌های جهان را مطالعه می‌کردند؟ زیرا اصول امر بهائی، دستورالعمل شفابخش الهی مندمج در تعالیم مبارکه برای تحقق یک هدف و برای درمان یک بیماری نازل شده است. اگر ما درون‌دنیای بسته‌ای زندگی کنیم و از معرفت عالم خود را منقطع سازیم، به طور کامل نیاز و ضرورت ابلاغ امر مبارک به توده‌های نوع بشر را درک نمی‌کنیم. حضرت ولی امرالله مکرراً به ما فرموده‌اند که

ما باید نسبت به امور عالم آگاه باشیم و تأکید فرمودند که ایشان واقفند این آگاهی در مانیروی تولید می‌کند که برای انتشار تعالیم مبارک بین بشریت محتاج قیام خواهیم کرد و ما را قادر خواهد ساخت تا تعالیم الهیه را با رنج، محنت و فلاکتی که کثیری از دوستان ما آن را درک می‌کنند، مرتبط سازیم.

۳-۶ راهنمایی واضح و ساده

وقتی که محفلی یک لجنه را منصوب می‌کند یا وظیفه‌ای را به فردی احاله می‌نماید، نهایت درجه اهمیت را دارد که محفل مقصود و منظور خویش را در نهایت وضوح بیان دارد. وقتی که راهنمایی روشن و واضحی در دست نباشد، لجنه‌ها ممکن است وقت زیادی را صرف نمایند تا مقصود محفل را حدس بزنند و نگران باشند که مبادا امور را به نحو صحیح انجام نمی‌دهند. فی‌المثل، سه کاری را که مایلید لجنه تبلیغ در طی یک سال انجام دهد چیست؟ چه اهدافی را مایلید که در دو ماهه آینده تحقق بخشند؟ آیا مواضع خاص و معینی وجود دارد که می‌خواهید آنها به آن پردازند یا از آن پرهیزند؟ بخشی از مشاوره صریح و صادقانه این است که آنچه را در ذهن دارید توضیح دهید. راهنمایی روشن و ساده به شخص دیگر امکان می‌دهد در یابد چگونه می‌تواند توفیق یابد، و اصلاً توفیق شامل چه امری می‌شود. این وقوف به وی انرژی می‌بخشد.

دوم، مواردی که ممکن است بعد از اقدام فرد یا گروه به اجرای امور واقع گردد:

۴-۶ بیان تقدیر و تحسین

بسیاری از شرکتها که "مدیریت گروهی" را اِعمال می‌کنند جلسات مدیریت با کارکنان را با یکی از ماده‌های استاندارد دستور کار شروع می‌کنند، یعنی تأیید و تصدیق. رئیس یا ناظم جلسه این سؤال ساده را برای گروه مطرح می‌کند، "آیا کسی مایل است موردی از تأیید و تصدیق را مطرح سازد؟" معمولاً لحظاتی چند به سکوت و تفکر می‌گذرد که در طی آن، اعضاء جلسه به اندیشه می‌پردازند که در ماه گذشته چه شخصی کاری مفید انجام داده است. بعد، آن

را برای اعضاء گروه بیان می‌کنند. اولین بیان تقدیر و تحسین، فرد دیگری را به تفکر درباره امری برمی‌انگیزد. طبق معمول، در مدت ده تا پانزده دقیقه افراد موارد تأیید فعالیت‌های سایر اعضاء گروه را بیان می‌نمایند. این کار جوّی مثبت و محیط بحث و تبادل نظری را برای بیان تقدیرها و تحسین‌هایی پدید می‌آورد که در غیر این صورت در شتاب برای اجرای امور، بالمرّه به فراموشی سپرده می‌شد.

خیلی مطلوب است که یک محفل روحانی در هر جلسه ملاقات اقدامات اعضاء جامعه را مدّ نظر قرار دهد و ملاحظه نماید چگونه آنها ممکن است از سایر اعضاء تقدیر نمایند. ضیافت محلّ و فرصت مناسبی برای تأیید مساعی اعضاء جامعه است. در فرهنگ ما، اغلب، ما بر اشتباهات، لغزش‌ها و خطاهای یکدیگر متمرکز می‌شویم و در بیان آنها بسیار سریع عمل می‌نماییم در حالی که سخت‌کوشی و مساعی خواهان و برادران خود را ندیده می‌گیریم. اگر می‌خواهیم تولید نیرو و انرژی نماییم، باید مایل باشیم به طور سیستماتیک "شخصی را در حال انجام دادن کارهای مفید و مطلوب غافلگیر نماییم."

در حالی که تصمیم‌گیری رسمی و اختیارات در قبضه قدرت محفل روحانی قرار دارد، فرایند تولید انرژی هم در دست افراد است. این که ما چگونه با یکدیگر رفتار می‌کنیم، چگونه از یکدیگر تشکر کرده‌ایم را مورد تقدیر و تحسین قرار می‌دهیم، مسئولیتی است که همه بر عهده داریم. برای ایجاد یک فرهنگ رشد، ابتدا باید فرهنگ تقدیر و تحسین را به وجود آوریم.

۵-۶ بازنگری و مشورت

مواردی در جامعه بهائی وجود داشته که محفل روحانی به انتقادهای وارد به یک برنامه یا لجنه، شاید مکرراً، گوش فرا داده و بدون مشاوره مستقیم با گروه مزبور یا استفسار از نظرات آنها به قضاوت نشسته و درباره برنامه یا لجنه مربوطه تصمیم گرفته است. این طریقه عمل از گروه سلب انگیزه نموده تخلیه انرژی می‌نماید. طرف مشورت قرار دادن بنفسه نشانه احترام و نیروبخش است. بازنگری و مرور کردن مساعی لجنه‌ها در معیت خود لجنه‌ها، احترام شما به آنها و نیز علاقه صادقانه شما به مساعی آنها را متجلی می‌سازد. موقعی که مسئولیتی را به لجنه‌ای یا فردی محوّل می‌سازید، خردمندانه آن است که در همان موقع زمانی را که برای بحث

در خصوص میزان پیشرفت کار محوله مناسب باشد تعیین نمایید. این کار موجد نیرو و قوای بیشتر می‌شود زیرا یک هدف ساده تعیین می‌شود که عبارت از بیان میزان پیشرفت کار برای تشکیلات است.

۶-۶ تحسین به طور علنی و تصحیح به طور خصوصی

اگرچه اکثر ما میل نداریم اذعان نماییم، اما مایلیم به طور علنی مورد تقدیر واقع شویم. میل داریم همه در دنیا، از جمله مادر و پدرمان، از کارهای مطلوب و مفیدی که انجام می‌دهیم آگاه شوند. تقدیر از مساعی و موفقیت‌ها در ضیافت یا سایر اجتماعات عمومی موجد تزئید قوی می‌شود. اظهار نظر عمومی و علنی به نحوی تأثیر را افزایش می‌دهد. همین اثر در انتقاد نیز وجود دارد. انتقاد، که اگر به طور خصوصی بیان شود ممکن است به طور منطقی شنیده شده به عنوان فرصتی برای یادگیری و پیشرفت تلقی شود، اگر به طور علنی و در مجالس عمومی صورت گیرد، همچون تیری است که مستقیماً به قلب فرو می‌رود. انتقاد علنی تضمین‌کننده بحران عاطفی است. هرگز در یک جلسه بحث و تبادل نظر عمومی شخص دیگر را مورد انتقاد یا اصلاح قرار ندهید زیرا بسیار مخرب و زیانبار است. البته، مواقعی وجود دارد که فردی محتاج دریافت بازخورد انتقادی است. اما، همیشه باید آن را به طور خصوصی و با روح محبت و مساعدت انجام داد.

همچنین موارد تقدیر را بهتر است به طور کتبی بیان کرد، اما هرگز نامه انتقاد آمیز نباید نوشته شود. مانند اظهاراتی که در یک جلسه عمومی بحث و تبادل نظر صورت می‌گیرد، مشاهده انتقاد کتبی، به آن موقعی رسمی می‌بخشد که رنج و درد ناشی از آن را چندین برابر می‌کند اما ابداً موجد تفاهم و درک بیشتر نمی‌گردد. انتقاد را باید مورد بحث قرار داد. باید با فرد گفتگویی ترتیب داد تا به او در پردازش بازخورد و درک و فهم بهتر مساعدت شود. بازخورد انتقادی، که در یک گفتگوی مشورتی با روح مساعدت و شفقت بیان گردد، به رشد و بلوغ منجر خواهد شد.

باید همواره به خاطر داشته باشیم که جامعه بهائی جامعه داوطلبان است. تقریباً به احدی وجهی پرداخت نمی‌گردد. کسی مجبور نیست در میدان خدمت باشد. ما همه در میدان هستیم، در جامعه بهائی حضور داریم، زیرا به امر مبارک، شارعین آن و تعالیمش عشق می‌ورزیم. این

درک و تشخیص باید همه ما را در رفتار با یکدیگر هادی و راهنما باشد. بخصوص باید ما را در عرضه بازخورد نظرات به یکدیگر هدایت نماید.

این اقدامات ساده، اگر به طور سیستماتیک انجام شود، تأثیر عظیمی در تولید و حفظ انرژی در جامعه دارد مشروط بر آن که بخشی از فرهنگ ما گردد.

۷- راهنمای توسعه جلسات سیستماتیک

صرفاً به این علت که ما بهائی هستیم و به مشورت به عنوان فرایند اساسی برای اتخاذ تصمیم معتقدیم، به این معنی نیست که ما در جلسات خود و فرایند تصمیم‌گیری موفق و کارآمد هستیم. بسیاری از جلسات ما سیستماتیک نیست و غالباً وقت تلف کردن و مایوس‌کننده است. در عین حال که منابع بسیاری، مانند برنامه توسعه محفل روحانی محلی، برای کمک به کارآمدتر بودن ما قابل استفاده است، نکات کلیدی معدودی که می‌توانیم انجام دهیم نیز وجود دارد که ثابت شده است اثربخشی و کارایی تمامی گروه‌های تصمیم‌گیرنده را تقویت می‌نماید.

۷-۱ با دستور جلسه شروع کنید

محافل و لجنه‌ها گروه‌هایی هستند که برای انجام شدن امور تشکیل می‌شوند. آنها گروه‌های بحث غیر رسمی نیستند و برای گروه‌درمانی نیز در نظر گرفته نشده‌اند. اگرچه گاهی لازم است کار را متوقف کرد و جریان کار گروه را مورد بحث قرار داد، اما اگر تمام اعضاء آن متمرکز بر کاری شوند که باید انجام شود، کارایی آنها بمراتب بیشتر خواهد بود. این هدف یک دستور جلسه است.

داشتن یک دستور جلسه استاندارد که شما در هر جلسه برای شروع برنامه‌ریزی در اختیار داشته باشید، ایده خوبی است. این دستور جلسه استاندارد می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

۷-۱-۱ دعا و مناجات

۷-۱-۲ مرور خلاصه مذاکرات قبل و اقدامات انجام شده

۷-۱-۳ مروری بر دستور جلسه

۷-۱-۴ تأیید و تصدیق موقفیت‌ها و اقدامات مطلوب

۷-۱-۵ گزارش صندوق

۷-۱-۶ گزارش و تصمیمات تبلیغی

۷-۱-۷ تزئین معارف و تعلیم

۷-۱-۸ سایر کارهای جدید

۷-۱-۹ برنامه‌ریزی عملی

۷-۱-۱۰ برنامه‌ریزی برای جلسه بعد

۷-۱-۱۱ مناجات خاتمه

۷-۲ استفاده از مهارت‌های تسهیل‌کننده:

تمام اعضاء محفل، بالاخص رئیس یا ناظم، می‌توانند از مهارت‌های مؤثر تسهیل‌کننده استفاده کنند. رئیس مسئول است تضمین نماید که کلام همه شنیده خواهد شد، موضوع برای تمام اعضاء گروه روشن و واضح است، و نیل به مرحله اخذ تصمیم در کمال وضوح و سرعت صورت می‌گیرد. مختصر آن که، او مسئول است وحدت در کثرت، نظم و هماهنگی را تضمین نماید. ساده است، نه؟ خیر، در واقع مهارتی بسیار دشوار است.

حصول اطمینان از این که رئیس تعلیمات لازم را برای استفاده مؤثر از مهارت‌های تسهیل‌کننده دیده است، امری خردمندانه و حکیمانه است. یکی از منابعی که برای این منظور می‌توان یافت در سایت متّحده یا از طریق برنامه توسعه محفل می‌باشد.

۷-۳ برنامه اقدامات عملی را بنویسید:

بسیاری از ما جلسات مأیوس‌کننده و گروه غیرمؤثر و ناکارآمد را تجربه کرده‌ایم. یکی از معمول‌ترین علل برای این یأس عبارت از قصور در اتخاذ تصمیمات روشن است که تعریف می‌کند چه کاری، توسط چه کسی، و تا چه زمانی باید انجام شود. استفاده از یک چارت دیواری

در یک جلسه برای نوشتن اقدام عملی که گروه روی آن توافق می‌کند، می‌تواند مفید واقع شود. یک چارت دیواری با نوشتن اقدام عملی روی آن، به گروه تعلق پیدا می‌کند و در واقع جزو اموال گروه می‌شود.

برای تهیه یک برنامه عملی به راحتی می‌توانید سه ستون با عناوین نوع اقدام، مسئول اقدام، زمان اقدام ایجاد نمایید. برای هر موضوع مورد مشورت سؤال کنید که آیا اقدامی وجود دارد که همه در مورد آن توافق داشته باشند. بعد، آن اقدام، مسئول و زمان آن را ذکر نمایید. جلسه بعد، اقدام مزبور باید در پیش روی اعضاء گروه و قابل رؤیت باشد. مرور و بازنگری برنامه‌های اقدامات عملی باید همیشه جزو دستور جلسه باشد. وقتی که این مرور را انجام می‌دهید دقت کنید باعث نشوید احدی احساس نماید به علت قصور در انجام دادن وظیفه یا مأموریتی تنبیه شده است. همه ما در برهه‌ای از زمان از ایفای وظیفه خود باز می‌مانیم. به سادگی از شخص پرسید که آیا کار مزبور انجام شده است، و اگر انجام نشده، فکر می‌کنید کی می‌توان آن را انجام داد؟ از او پرسید که آیا نیاز به مساعدت دارد. بگذارید در همین حد باقی بماند. اگر کار مزبور همچنان انجام نشده باقی بماند، فرد مسئول عموماً تقاضای کمک خواهد کرد.

این "مسئولیت موقرانه" است و موجب عادات مطلوب می‌شود، عادت به این که هر آنچه می‌گوییم انجام دهیم. همچنین باعث می‌گردد گروه احساس نماید واقعاً دارد کاری انجام می‌دهد.

۴-۷ یک نمونه و الگوی تصمیم‌گیری اتخاذ نمایید.

اکثر گروه‌های تصمیم‌گیری یک نمونه ساده با مراحل واضح و روشن برای اتخاذ تصمیم یا حل مسائل در پیش می‌گیرند. این نمونه‌ها قواعد خشک و انعطاف‌ناپذیر نیستند، بلکه مانند یک نقشه ساده راهها هستند که در سفری به سوی اتخاذ تصمیم شما را راهنمایی می‌کنند. می‌توان از آن به عنوان یک صورت رسیدگی^(۱) استفاده کرد. ذیلاً نمونه‌ای از این مراحل که شما می‌توانید پیگیری نمایید ذکر می‌شود:

۱- اصطلاحاً چک‌لیست checklist نامیده می‌شود - م

۷-۴-۱ موضوع را روشن کنید: اطمینان حاصل کنید که تمام اعضاء گروه هدف تصمیم‌گیری یا ماهیت مسأله را به طور یکسان درک کرده‌اند.

۷-۴-۲ در مورد اصول روحانی توافق کنید: خصیصه مشورت بهائی در ارتباط آن با اصول روحانی است. برای این موضوع کدام اصول روحانی یا آثار امری را می‌توان به عنوان راهنما مورد استفاده قرار داد؟

۷-۴-۳ نکات مهم را دریابید و در مورد آن توافق کنید: بسیاری از ما تمایل داریم قبل از دریافتن نکات مربوط به یک مسأله به حلّ موضوع بپردازیم. اطلاع بر نکات و واقعیات اساس حلّ هر مسأله‌ای است.

۷-۴-۴ به اقدامات جانشین بیندیشید: فهرست کردن اقدامات جانشین قبل از هرگونه قضاوتی در خصوص یک اقدام جایگزین، مطلوب و مفید خواهد بود. راه حل‌های ابتکاری معمولاً از مطرح ساختن ایده‌های جدید غیر قضاوت‌مآبانه منتج خواهد شد.

۷-۴-۵ در مورد بهترین نحوه اقدام اتفاق آراء پیدا کنید: بعد از مطرح ساختن ایده‌های جدید طرق متعددی برای تحکیم و تثبیت فهرست وجود دارد. موارد له و علیه اقدامات جایگزین را ملاحظه کنید و بعد در مورد بهترین اقدام توافق نمایید. گاهی اوقات توافق روی چند مورد می‌تواند بهتر باشد.

۷-۴-۶ یک برنامه اقدام عملی تهیه کنید: حال زمان آن فرا رسیده است که تعیین نمایید چه کسی چه زمانی چه کاری را انجام خواهد داد تا تصمیم اتخاذ شده به مرحله اجرا در آید.

این شش مرحله به عنوان تنها دستورالعمل صحیح برای وصول به مرحله تصمیم‌گیری در نظر گرفته نشده است، بلکه مجموعه‌ای از اقدامات است که ثابت شده است در بسیاری از انواع مختلف گروه‌های تصمیم‌گیری از همه مؤثرتر بوده است.

این رهنمودهای ساده برای جلسات کارآمد و مؤثر عنصر دیگری برای "سیستماتیک بودن" در اقدامات است.

وقتی که، در عین اجتناب از انعطاف‌ناپذیری، سیستماتیک می‌شویم در خواهیم یافت که در وقت صرفه‌جویی می‌کنیم، از نومی‌ها می‌کاهیم، و در ارتقاء گروه جوامع خود کارآمدتر و مؤثرتر می‌شویم. در زندگی به طور کلی، پیشرفت در اثر مساعی سیستماتیک حاصل می‌شود. یک ورزشکار در اثر یک تلاش قهرمانانه واحد به برتری نایل نمی‌گردد، بلکه بعد از سالها تمرین یومیه و انضباط به تفوق واصل می‌شود. همین موضوع در مورد هنرمند، رهبر امور تجاری یا معلم، والدین یا محصل نیز مصداق دارد.

سیستماتیک شدن، یا از آن مهم‌تر، کارآمدتر و مؤثرتر شدن در مدیریت خود بر امور جامعه بهائی، یک سفر است. عبارت از توسعه استعداد و قابلیت سازمانی و یادگیری سازمانی است. این مقاله به عنوان تنها دستورالعمل صحیح در نظر گرفته نشده، بلکه مشارکت در یک گفتگوی مستمر در خصوص بهترین نحوه تقویت حیات جامعه است تا بتوانیم هدایات حضرت ولی امرالله را تحقق بخشیم که می‌فرمایند، "مادام که ناس در جامعه بهائی عملاً یک سرمشق واقعی که مطلوب‌تر از وضعیت موجود باشد مشاهده نمایند، در افواج عظیمه به صلاهی امر مبارک لیبیک نخواهند گفت." (ترجمه)^(۱)

خودارزشیابی

موارد زیر برای آزمایش گرایش جامعه شما به سیستماتیک بودن کمک می‌کند. جوابی را که فکر می‌کنید به احتمال بیشتر مبین نگرش جامعه شما است انتخاب کنید.

۱- امسال یک برنامه تبلیغی جدید تهیه کردیم. در موقع این کار...

الف - بسیار خلاق بودیم و بدون تفکر به گذشته یک نگرش کاملاً جدید را به آزمایش

گذاشتیم.

ب - برنامه های گذشته را بازنگری کردیم و درسهایی را که از تجارب گذشته فراگرفته بودیم مدّ نظر قرار دادیم.

ج - تعداد زیادی مبلغ مجرّب داریم لذا با همان برنامه سال گذشته به کار خود ادامه خواهیم داد.

۲- ما سه لجنه داریم که توسط محفل روحانی محلی منصوب شده اند. برای راهنمایی این لجنات ...

الف - به آنها اطمینان داریم که نهایت سعی خود را خواهند کرد و لذا بعد از انتصاب، دیگر مزاحم آنها نمی شویم.

ب - یک ابلاغیه کتبی با اهداف و مقاصد تعیین شده به آنها می دهیم و سپس از آنها یک گزارش دوره ای در مورد میزان پیشرفت کار مطالبه می نماییم.

ج - هدایات روشن در مورد اقدامی که می خواهیم آنها انجام دهند، شامل اهداف، معیارهای عددی، خطّ مشی زمانی و فرم دقیق گزارش کتبی را برای آنها فراهم می آوریم.

۳- هر سال اهدافی برای صندوقهای تبرّعات تعیین می کنیم. برای این کار ...

الف - دعا می خوانیم و به تأییدات الهیه توکل می کنیم.

ب - در ضیافت از احبّاء تقاضا می کنیم اهداف شخصی تعیین کنند و بدون ذکر نام روی یک برگ کاغذ بنویسند تا ما آنها را جمع آوری نموده جمع کلّ را به عنوان هدف جامعه تعیین کنیم.

ج - اهداف محفل روحانی ملی را به تعداد احبّاء در جامعه ایالات متّحده تقسیم می کنیم، بعد آن را در تعداد افراد بهائی جامعه محلی خودمان ضرب می کنیم.

۴- در حال تهیّه یک طرح توسعه اجتماعی اقتصادی هستیم. برای تهیّه این طرح ...

الف - هر فردی را تشویق می کنیم تا به صورتی که مقتضی و مناسب می دانند به خدمت قیام

کند.

ب - نیازهای جامعه و منابع خود را برآورد می‌کنیم و موقع برنامه‌ریزی سایر طرح‌هایی را که موفق بوده است مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

ج - یک لجنه تشکیل داده‌ایم و آنها بعد از تماس با مؤسسات خدمات اجتماعی محلی، ملاقات با آنها، و تعریف سه مورد از اولویت‌ها کتباً به ما گزارش خواهند داد.

۵- در سال گذشته در ارتباط با اهداف جامعه خودمان ...

الف - آنها را مورد بررسی قرار نداده‌ایم تا کسی احساس نکند که تحت فشار قرار گرفته است.

ج - آنها را مورد بررسی و مشاوره قرار داده‌ایم تا ببینیم چرا برخی از آنها به نتیجه رسیده و برخی نرسیده است.

۶- می‌خواهیم طرحی برای افزایش میزان فعالیت و آموزش جوانان تهیه کنیم. برای این کار ...

الف - دو تن از اعضاء محفل روحانی که فرزندان جوان دارند از آنها نظرخواهی خواهند کرد.

ب - با تمام جوانان جامعه جلسه ملاقاتی خواهیم داشت و از ایده‌های بدع آنها استفاده خواهیم کرد و در مورد دو یا ایده که مؤثرتر و کلرآتر هستند به توافق خواهیم رسید.

ج - یک لجنه جوانان تشکیل داده و اهداف و هدایات معین برای آنها تعیین کرده‌ایم.

۷- در خصوص دستور جلسه محفل روحانی ...

الف - در آغاز هر جلسه، رئیس سؤال می‌کند که چه کسی موضوعی برای مشورت دارد و همه را یادداشت می‌کند.

ب - یک دستور جلسه استاندارد داریم که شامل مکاتبات، تبلیغ، وضعیت صندوق، و غیره می‌باشد. بعد ما امور معین قبلی و اقلام جدید را برای نهایی کردن دستور جلسه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

ج - یک دستور جلسه استاندارد جامع داریم که در هر جلسه مورد استفاده قرار می‌دهیم.

۸- در خصوص سنجش میزان فعالیت جامعه خودمان ...

الف - به طور دوره‌ای بحث می‌کنیم که در مورد پیشرفت جامعه چه احساسی داریم.

ب - سه تا پنج ملاک و معیار را، شامل حضور در ضیافتات، بیوت تبلیغی و تبرّعات را تعیین کرده‌ایم که هر ماه به عنوان شاخص‌های سلامت جامعه ثبت می‌کنیم.

ج - به هر لجنه سه تا پنج ملاک و معیار معین برای فعالیت داده شده است که از آنها می‌خواهیم در مورد هر یک گزارش ماهانه بدهند.

۹- در خصوص نحوه کار و فعالیت با مؤمنین جدید بعد از تسجیل آنها ...

الف - به مبلغ آنها اعتماد می‌کنیم که در تزئید معارف آنها می‌کوشد و آنها را به ضیافت دعوت می‌کند.

ب - یک نقشه یا فرایند را تعیین کرده‌ایم که مؤمن جدید التّصدیق دنبال می‌کند تا در حیات جامعه وارد شده معارفش تزئید یابد و لجنه تبلیغ ما یک "دوست" برای مراقبت از مؤمنین جدید تعیین می‌کند.

ج - یک برنامه زمانی معین برای مؤمنین جدید تهیه می‌کنیم که دنبال نمایند و از آنها می‌خواهیم میزان پیشرفت خود را به محفل روحانی گزارش دهند.

۱۰- وقتی یک مسأله شخصی به محفل ارائه می‌شود که باید در مورد آن مشورت کنیم ...

الف - اوّل به سخنان شخص گوش می‌دهیم، بعد برای کسب هدایت دعا می‌کنیم، و بعد احساسات و تفکرات خود را برای فرد مزبور بیان می‌نماییم.

ب - ابتدا بعضی از آثار مبارکه در خصوص موضوع مطرح شده، مانند ازدواج، را مطالعه می‌کنیم، بعد با فرد مزبور مشاوره کرده به دقت به سخنان او گوش می‌دهیم تا نظر خود را ابراز دارد، بعد با سایر نفوسی که با موضوع مرتبط هستند مشورت می‌کنیم. بعد، در خصوص اصول،

نکات، موارد احتمالی جایگزین مشاوره نموده به اتخاذ یک تصمیم نائل می‌گردیم.

ج - تمام آنچه که در بالا ذکر شد انجام می‌دهیم و بعد یک برنامه معین که فرد مزبور باید دنبال کند روی کاغذ می‌آوریم.

ارزشیابی سنجش و بررسی خودتان

قبل از آن که بررسی‌ها و سنجش‌های خود را ارزشیابی کنید، تنگنای یک رهیافت سالم سیستماتیک را مد نظر قرار دهید. یک رهیافت سیستماتیک موازنه‌ای بین اتکاء بر اعتماد یا بر ایمان به حسن نیت افراد، و اتکاء بر روشهای برنامه‌ریزی و کنترل می‌باشد. ایمان به افراد و نیز به روشهای برنامه‌ریزی و کنترل ممکن است سالم یا افراطی باشد. گاهی اوقات بدون تهیه یک ساختار، هدایت و پیگیری به حسن نیت و اعتماد افراد اتکاء می‌کنیم. از طرف دیگر، ممکن است آنقدر به ساختار یا روشها تکیه کنیم که به عنوان "کاغذبازی" یا کنترل افراطی تلقی گردد. مانند بسیاری از اصول اساسی در امر مبارک، میانه‌روی، اعتدال و خردمندی باید هادی ما باشد. پیدا کردن این حد تعادل کلید یک رهیافت سیستماتیک سالم است.

در موارد دهگانه فوق، برای هر "الف" یک امتیاز، برای هر "ب" پنج امتیاز و برای هر "ج" ده امتیاز به خودتان بدهید. بعد تعداد امتیازات را جمع بزنید. البته امتیاز شما بین ده و صد خواهد بود. اگر امتیاز شما کمتر از ۳۰ باشد، ممکن است گرایش جامعه شما بیش از حد به اتکاء به اقدامات فردی و "ایمان" به این نکته باشد که کار صحیح انجام خواهد شد. اگر امتیاز شما بالاتر از ۷۰ باشد، جامعه شما ممکن است به کنترل و برنامه‌ریزی بیش از حد تمایل داشته باشد. اگر امتیاز شما بین ۳۰ و ۷۰ باشد، رهیافت شما متعادل‌تر است. در هر یک از موارد دهگانه فوق، "ب" نشان‌دهنده رهیافتی متعادل می‌باشد.

آمار عالم بهائی

تاریخ: آگست ۲۰۰۱

ماخذ: مرکز جهانی بهائی، بخش آمار

محافل روحانی ملی

۴۶	آفریقا
۴۳	آمریکا
۳۹	آسیا
۱۷	استرالیا
۳۷	اروپا
۱۸۲	جمع کل

محافل روحانی محلی

۳۸۰۸	آفریقا
۳۱۵۲	آمریکا
۲۹۴۸	آسیا
۸۵۶	استرالیا
۹۷۶	اروپا
۱۱۷۴۰	جمع کل

کشورهایی که امر بهائی در آنها استقرار یافته است:

الف - ممالک مستقل

۵۳	آفریقا
۳۵	آمریکا
۴۴	آسیا
۱۴	استرالیا
۴۴	اروپا
۱۹۰	جمع کل

ب - سرزمین‌های غیرمستقل | بخش‌های ماوراء بحار

آفریقا ۵

آمریکا ۱۷

آسیا ۳

استرالیا ۱۳

اروپا ۸

جمع کل ۴۶

نقاطی که بهائی ساکن است

آفریقا ۳۰۰۰۳

آمریکا ۲۴۵۰۲

آسیا ۵۹۸۲۱

استرالیا ۶۷۴۶

اروپا ۶۳۰۹

جمع کل ۱۲۷۳۸۱

مشاورین قاره‌ای

آفریقا ۱۹

آمریکا ۱۹

آسیا ۱۹

استرالیا ۱۱

اروپا ۱۳

جمع کل ۸۱

اعضاء هیأت معاونت

آفریقا ۲۳۴

آمریکا ۲۳۴

آسیا ۲۸۸

استرالیا	۱۰۸
اروپا	۱۲۶
جمع کل	۹۹۰

گروههای قومی، نژادها و قبایل بومی

آفریقا	۱۲۵۰
آمریکا	۳۴۰
آسیا	۲۵۰
استرالیا	۲۵۰
اروپا	۲۲
جمع کل	۲۱۱۲

زبانهایی که کتب بهائی به آن ترجمه شده است

آفریقا	۲۶۶
آمریکا	۱۷۲
آسیا	۱۷۴
استرالیا	۱۱۰
اروپا	۸۰
جمع کل	۸۰۲

مؤسسات مطبوعات امری

آفریقا	۷
آمریکا	۳
آسیا	۹
استرالیا	۲

یادداشتها:

اطلاعات مربوط به محافل روحانی ملی، مشاورین قاره‌ای، اعضای هیأت معاونت و مؤسسات مطبوعات امری مربوط به رضوان ۲۰۰۱ است. ارقام مربوط به کشورها و سرزمینهایی که امر مبارک در آنها استقرار یافته است نیز تا مقطع زمانی مزبور می‌باشد.

آمار مربوط به محافل روحانی محلی و نقاط در وهله اولی مأخوذ از گزارشهای آماری سالانه محافل روحانی ملی است که حاوی اطلاعاتی تا مقطع زمانی دوم مه ۲۰۰۰ می‌باشد. بخصوص ارقام مربوط به نقاط را باید به عنوان تخمین تلقی کرد زیرا همیشه برای محافل روحانی ملی میسر نیست که شمار دقیق آنها را تعیین و تأمین نمایند.

آخرین تاریخی که ارقام مربوط به گروههای قومی، نژادها و قبایل بومی و نیز السنه‌ای که کتب امری به آنها ترجمه شده، مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفته سال ۱۹۸۶ می‌باشد.

آمار عالم بهائی

تاریخ: آگست ۲۰۰۱

مأخذ: مرکز جهانی بهائی، بخش آمار

موضوع	آفریقا	آمریکا	آسیا	استرالیا	اروپا	جمع
محافل روحانی ملی	۴۶	۴۳	۳۹	۱۷	۳۷	۱۸۲
محافل روحانی محلی	۳۸۰۸	۳۱۵۲	۲۹۴۸	۸۵۶	۹۷۶	۱۱۷۴۰
کشورهایی که امر استقرار یافته						
الف - کشورهای مستقل	۵۳	۳۵	۴۴	۱۴	۴۴	۱۹۰
ب - سرزمینهای غیرمستقل / بخشهای ماوراء بحار	۵	۱۷	۳	۱۳	۸	۴۶
نقاطی که بهائی ساکن است	۳۰۰۰۳	۲۴۵۰۲	۵۹۸۲۱	۶۷۴۶	۶۳۰۹	۱۲۷۳۸۱

۸۱	۱۳	۱۱	۱۹	۱۹	۱۹	مشاورین قاره‌ای
۹۹۰	۱۲۶	۱۰۸	۲۸۸	۲۳۴	۲۳۴	اعضاء هیأت معاونت
۲۱۱۲	۲۲	۲۵۰	۲۵۰	۳۴۰	۱۲۵۰	گروههای قومی، نژادها و قبایل بومی
۸۰۲	۸۰	۱۱۰	۱۷۴	۱۷۲	۲۶۶	زبانهایی که کتب امری به آن ترجمه شده
۳۳	۱۲	۲	۹	۳	۷	مؤسسات مطبوعات امری

یادداشتها:

اطلاعات مربوط به محافل روحانی ملی، مشاورین قاره‌ای، اعضاء هیأت معاونت و مؤسسات مطبوعات امری مربوط به رضوان ۲۰۰۱ است. ارقام مربوط به کشورها و سرزمینهایی که امر مبارک در آنها استقرار یافته است نیز تا مقطع زمانی مزبور می‌باشد.

آمار مربوط به محافل روحانی محلی و نقاط در وهله اولی مأخوذ از گزارشهای آماری سالانه محافل روحانی ملی است که حاوی اطلاعاتی تا مقطع زمانی دوم مه ۲۰۰۰ می‌باشد. بخصوص ارقام مربوط به نقاط را باید به عنوان تخمین تلقی کرد زیرا همیشه برای محافل روحانی ملی میسر نیست که شمار دقیق آنها را تعیین و تأمین نمایند.

آخرین تاریخی که ارقام مربوط به گروههای قومی، نژادها و قبایل بومی و نیز السنه‌ای که کتب امری به آنها ترجمه شده، مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفته سال ۱۹۸۶ می‌باشد.

بزرگترین جوامع بهائی

مأخذ: مؤسسه Adherents.com

امر بهائی در زمره بزرگترین ده گروه مذهبی بین‌المللی جهان رتبه‌بندی شده است.

بزرگترین بیست جمعیت ملی بهائی

کشور	درصد نسبت به جمعیت	تعداد بهائیان	کشور
	٪۰/۱۷	۱'۷۱۶'۱۴۸	هندوستان
	٪۰/۲۷	۷۵۳'۴۲۳	ایالات متحده آمریکا
	٪۰/۶۹	۴۶۳'۱۵۱	ایران
	٪۰/۴۵	۳۵۶'۱۳۳	ویتنام
	٪۱/۰۲	۳۰۸'۲۹۲	کنیا
	٪۳/۲۵	۲۶۹'۲۴۶	بولیوی
	٪۰/۵۹	۲۵۵'۷۷۵	آفریقای جنوبی
	٪۰/۲۹	۲۲۹'۵۲۲	فیلیپین
	٪۰/۴۳	۲۲۴'۵۹۶	کنگو (زئیر)
	٪۱/۷۰	۱۶۲'۴۴۳	زامبیا
	٪۰/۲۳	۱۴۴'۲۴۳	تایلند
	٪۰/۵۸	۱۴۱'۰۷۲	ونزوئلا
	٪۰/۴۰	۱۴۰'۵۹۳	تانزانیا
	٪۰/۴۲	۹۷'۰۷۸	مالزی
	٪۱/۰۱	۸۰'۶۸۳	چاد
	٪۰/۱۶	۷۹'۰۴۴	میانمار
	٪۰/۰۵	۷۸'۶۵۸	پاکستان
	٪۰/۲۹	۶۶'۵۴۶	اوگاندا

کلمبیا	۶۴'۷۵۸	%/۱۶
کامرون	۶۴'۲۸۶	%/۴۲

کشورهای با بیشترین درصد بهائی نسبت به جمعیت آنها

درصد نسبت به جمعیت کشور	تعداد بهائیان	نام کشور
%/۹/۲۲	۱'۱۰۶	Nauru نائورو
%/۶/۰۹	۶'۵۸۲	Tonga تونگا
%/۵/۸۶	۵۸۰	Tuvalu تووالو
%/۴/۷۰	۴'۳۲۱	Kiribati کریباتی
%/۴/۳۳	۶۵	Tokelau جزایر توکلائو
%/۳/۷۲	۲۷	Cocos جزایر کوکوس
%/۳/۲۵	۲۶۹'۲۴۶	Bolivia بولیوی
%/۲/۹۸	۶۷	Falkland جزایر فالکلند
%/۲/۷۸	۵'۴۱۸	Vanuatu وانواتو
%/۲/۷۳	۶'۹۴۱	Belize بلیز
%/۲/۳۷	۴'۱۷۸	Samoa ساموآ
%/۲/۰۹	۱۴'۵۸۴	Guyana گویان
%/۱/۹۵	۵۵'۲۱۴	امارات متحده عربی سائوتومه و پرنسیپ
%/۱/۸۸	۳'۰۱۱	Saotome, Principe
%/۱/۸۴	۲۱'۸۴۸	Mauritius موریس
%/۱/۷۰	۱۶۲'۴۴۳	Zambia زامبیا

٪۱/۶۱	۱'۲۲۵	Dominica	دومینیکا
٪۱/۶۱	۱'۹۰۹	Micronesia	میکرونزی
٪۱/۵۳	۲۹	Niue	جزیره نیو
٪۱/۵۰	۱'۰۲۳	Marshall	جزایر مارشال

مأخذ: Adherents.com

بهائیان مشهور

بهاء‌الله: شارع و پیامبر امر بهائی
عبدالبهاء: فرزند و جانشین بهاء‌الله، "مرکز میثاق"
شوقی افندی: ولی امرالله (رهبر جامعه بعد از عبدالبهاء)
لیدیا زامنهوف: دختر لودویگ لازاروس زامنهوف بانی اسپرانتو، مروج و
استفاده کننده از اسپرانتو و مترجم بسیاری از آثار بهائی
مارتا روت: ناطق برجسته، بهائی، اسپرانتیست و اهل سفر به تمام دنیا
دیزی گیلسپی: موسیقیدان جاز (نوازنده ترومپت)
فرانسین آستانی: نوازنده پیانو - فرانسوی
مارک آکو: نوازنده کلاسیک پیانو
کون لوکه: هنرمند بومی آمریکایی رقص حلقه
ماری ملکه رومانیا
سینتیا شپرد پری: سفیر آمریکا در سیرالئون، آفریقای غربی و بوروندی در زمان رییس
جمهوری بوش
رابرت هایدن: شاعر؛ اولین سیاهپوست آمریکایی که به عنوان مشاور امور
شعری در کتابخانه کنگره منصوب شد (بعدها ملک الشعرا نامیده شد)
مارک توبی: نقاش شهیر آبستره؛ بنیانگذار "مکتب نیویورک" نقاشی آبستره
برنارد لیچ: سفالگر برجسته بریتانیایی
اشرف گیباتوف: نقاش آذربایجانی
سارا هج: هنرمند

کتی فریمن: دوندۀ برندۀ مدال طلای المپیک؛ ستارۀ المپیک تابستانی ۲۰۰۰
 سیدنی؛ بومی استرالیایی و هوادار حقوق بومیان استرالیا
 مایاکاترین بانهوف: نویسنده داستانهای تخیلی
 ژولیت تامپسون: نمایشنامه‌نویس و مؤلف آمریکایی؛ نویسنده "من، مریم
 مجدلیه"

فیلیپ هینتون: هنرمند استرالیایی؛ هنرپیشه میهمان در فیلمهای آمریکایی
 The Flood, The Thornbirds - the Missing Years, Tanker Incident, Time
 Trax , Flipper

A پورلی اونس: هنرمند استرالیایی؛ دارای نقشهای مرتب در سریالهای
 استرالیایی

Country Practice, Blue Heelers, Janus, Phoenic and Mercury

راجر وایت: شاعر (سراینده قطعات زیر):

Another Song, Another Season; Poems and Portrayals; Occasions of
 Grace: More Poems and Portrayals; The Witness of Pebbles

جیم سیلز و دش کرافتز: تیم دونفره نویسنده اشعار و موسیقیدان؛ معروفترین
 اثر آنها "Summer Breeze" و "Get Closer" است؛ همچنین "gain" و "We
 We May Never Pass This Way" و "Hummingbird"

دان سیلز: خواننده غربی

آمار پیروان ادیان

آخرین تاریخ اصلاحات: ۱۶ آگست ۲۰۰۱

آمار ارائه شده تقریبی است و فقط برای تعیین ردیف مقام هر دین است.

تعداد پیروان	نام دین	ردیف
دو میلیارد	مسیحیت	۱
۱/۳ میلیارد	اسلام	۲
۹۰۰ میلیون	هندو	۳
۸۵۰ میلیون	ملحدین، بی‌دینان	۴

۳۶۰ میلیون		بودایی	۵
۲۲۵ میلیون		دیانت سنتی چینی	۶
۱۹۰ میلیون		ادیان بدوی بومی	۷
۲۲ میلیون		سیک	۸
۲۰ میلیون	Yoruba	یوروبا	۹
۱۹ میلیون	Yuche	یوکه	۱۰
۱۴ میلیون	Spiritism	معتقدین به احضار ارواح	۱۱
۱۴ میلیون		کلیمی	۱۲
۶ میلیون		بهائی	۱۳
۴ میلیون	Jainism	جینی	۱۴
۴ میلیون	Shinto	شینتو	۱۵
۳ میلیون	Cao Dai	کائو دای	۱۶
۲/۴ میلیون	Tenrikyo	تنریکیو	۱۷
۱ میلیون	Neo-Paganism	الحاد جدید	۱۸
۸۰۰ هزار	Unitarian Universalism	یکتاپرستی جهان‌وطنی	۱۹
۷۵۰ هزار	Scientology	علم‌گرایی مذهبی	۲۰
۷۰۰ هزار	Rastafarianism	راستافاریانیزم	۲۱
۱۵۰ هزار		زردشتی	۲۲

توضیح:

- ۱- دیانت یوروبا فقط در آفریقای غربی، هائیتی و کوبا وجود دارد. ۲- یوکه فلسفه و دین ساخته و پرداخته کره شمالی است. ۳- جینی فقط در هندوستان وجود دارد. شینتو و تنریکیو که در سال ۱۸۳۸ از آن منشعب شد، فقط در ژاپن وجود دارند. ۴- ادیان بدوی بومی (ردیف ۷) عمده در بنین، بوتسوانا، گینه بیسائو، لیبریا و توگو وجود دارند. ۵- کائو دای در سال ۱۹۲۳ در ویتنام به وجود آمد و به این کشور محدود ماند.
- ۶- راستافاریانیزم فقط در جامائیکا که زادگاه آن است وجود دارد.

سایت اینترنتی Adherents.com ده دیانت عمده ایالات متحده را که بیشترین تعداد پیروان بزرگسال را دارند به شرح زیر اعلام کرده است:

ردیف	نام دیانت	تعداد پیروان بزرگسال	درصد جمعیت
۱	مسیحیت	۱۵۱'۲۲۵'۰۰۰	۸۶/۲٪
۲	لامذهبی	۱۳'۱۱۶'۰۰۰	۷/۵٪
۳	کلیمی	۳'۱۳۷'۰۰۰	۱/۸٪
۴	لادری	۱'۱۸۶'۰۰۰	۰/۷٪
۵	اسلام	۵۲۷'۰۰۰	۰/۵٪
۶	توحیدگرایی جهان وطنی	۵۰۲'۰۰۰	۰/۴٪
۷	بودایی	۴۰۱'۰۰۰	۰/۳٪
۸	هندو	۲۲۷'۰۰۰	۰/۲٪
۹	دیانت بومی آمریکایی	۴۷'۰۰۰	--
۱۰	علم‌گرایی مذهبی	۴۵'۰۰۰	--

برخی از نمایندگان امر بهائی سؤال کرده‌اند چرا این دیانت از این فهرست حذف شده است. مطالعه‌ای که انجام شده نشان می‌دهد که در سال ۱۹۹۰ بیست و هشت هزار نفر در ایالات متحده خود را بهائی می‌دانسته‌اند که آنها را در این کشور در ردیف یازدهم قرار می‌دهد. اگر "لامذهبان" و "لادریان" را از این فهرست حذف کنیم، در این صورت بهائیان در ردیف نهم قرار خواهند گرفت. اگرچه بررسی Kosmin بسیار حائز احترام است، اما باید توجه داشت که از نمونه‌گیری اتفاقی از این میزان بی سابقه (۱۱۳'۰۰۰ پاسخگو)، احتمال خطا در این مطالعه در خصوص گروه‌های نسبتاً کوچکتر، یعنی گروه‌هایی که کمتر از ۳۰۰'۰۰۰ نفر پیرو دارند، بسیار بالا است. در این مطالعه، تعداد کسانی که عنوان کردند معتقد به علم‌گرایی مذهبی هستند یا معتقد به دیانت بومی آمریکایی می‌باشند، اندکی بیشتر از نفوسی بود که خود را بهائی می‌دانستند. اما با توجه به احتمال خطا، امکان دارد که در سال ۱۹۹۰ تعداد بهائیان عملاً بیش از این بوده باشد. بخصوص اگر، چنان که برخی از بهائیان در پاسخ خود عنوان نمودند، نسبت عظیمی از بهائیان به طور دسته جمعی زندگی کنند و برای هر خانواده تلفن جداگانه‌ای وجود نداشته باشد، یا در زمره مهاجرین اخیر ایرانی باشند که به علت سوابق ایداء و آزارهایی که دیده‌اند مایل نبوده باشند تلفنی ارتباط خود با امر بهائی را اذعان نمایند، این موضوع

مصادق دارد. در سال ۱۹۹۰ دیانت جهانی بهائی بنفسه مدعی شد دارای ۱۱۰'۰۰۰ نفر پیرو در ایالات متحده است. اگر در سال ۱۹۹۰ تعداد ۱۱۰'۰۰۰ نفر نفوسی که خود را بهائی می‌دانستند در ایالات متحده بوده باشند (بسا فرض این که سایر ارقام Kosmin صحیح باشد) دیانت بهائی در ردیف نهم قرار می‌گیرد. کاملاً محتمل است که سرعت رشد در این گروه در ۱۰ سال گذشته از میزان رشد سایر گروهها سبقت گرفته باشد و اینک بهائیان در زمره ده دیانت عمده آمریکا باشند. اما این قضیه از لحاظ تجربی مورد تأیید قرار نگرفته است و ادعاهای مشابهی در مورد رشد اخیر توسط سایر گروهها نیز مطرح شده است. برآوردهای جاری رسمی از محفل روحانی ملی بهائیان برای جمعیت بهائی ایالات متحده رقم ۱۳۰'۰۰۰ نفر، یعنی حدود ۰/۰۵ درصد جمعیت ایالات متحده را نشان می‌دهد. اطلاعات واصله از محفل روحانی ملی ایالات متحده در تاریخ ۳۱ مارس ۲۰۰۰ تعداد بهائیان را ۱۳۳'۷۰۹ نفر اعلام می‌دارد. یک مورخ غیربهائی از دانشگاه میشیگان که اقدامات آماری بهائیان آمریکا را مورد مذاقه قرار داده است برآورد نموده تعداد نفوسی که فعلاً (سال ۱۹۹۹) در ایالات متحده خود را بهائی می‌دانند قریب ۶۰'۰۰۰ نفر است. این میزان تفاوت بین معرفی خود به عنوان پیرو یک دین یا اطلاعات برآورد شده در مقابل گزارشهای سازمانی غیرمعمول نیست. حتی اگر امر بهائی در زمره ده دیانت عمده ایالات متحده نباشد، بر مبنای گزارش فعلی خود آنها در مورد تخمین تعداد اعضا، در رتبه ده گروه مذهبی بزرگ بین‌المللی جهان و در ردیف ده دیانت بزرگ سازمان یافته دنیا قرار دارند.

ارتقاء سطح شناسایی دانشگاه بین‌المللی لندگ توسط دولت

۱۴ اکتبر ۲۰۰۱ - نچری مواگیر و Njeri Mwagiru اگرچه خودش آفریقایی است، از مشاهده جزوات تبلیغاتی دانشگاه‌های سطح بالای آمریکا و کانادا که برای باشگاه‌های آفریقایی، هندی و سایر گروه‌های عمده قومی و نژادی مشتری جمع می‌کردند، افسرده و دلگیر شد.

این دختر بومی ۲۰ ساله کنیایی، در بحث از تصمیم خویش برای حضور در دانشگاه بین‌المللی لندگ که مؤسسه تحصیلات عالی ملهم از تعالیم بهائی است می‌گوید، "به نظر می‌رسید که بین این دانشگاه‌ها جدایی بسیار زیادی وجود دارد. به نظرم می‌آمد برنامه‌ها را طوری ترتیب داده‌اند که نفوسی که از فرهنگ‌های مختلف هستند جدا از هم بمانند."

او می‌افزاید، "اما اینجا در لندگ، تأکید بر این است که افراد متناسب به فرهنگ‌های مختلف با هم باشند و این همان چیزی است که من در جستجویش بودم."

خانم مواگیر و که وارد سومین سال تحصیلش در رشته علوم انسانی لندگ می‌شود از انتخاب خودش بسیار راضی و خوشحال است. این تصمیم به این علت است که از زمان تأسیس دوره کارشناسی دانشگاه لندگ فقط پنج سال می‌گذرد، پرمخاطره بود.

اما مسلماً وحدت را در میان کثرت یافته و نیز معتقد است که آموزشی در سطح بالا که رهیافتی کاملاً متمایز دارد در اینجا عرضه می‌گردد.

خانم مواگیر و که در دوره‌ای که زمینه‌های روانشناسی، ارتقاء انسانی و آموزش را توأم می‌سازد ثبت نام نموده می‌گوید، "هدف آن ترکیب کردن رشته‌های مختلف تحصیلی است تا مفهومی بهتر پیدا کنند و آموزش در زندگی کاربرد بیشتری بیابد."

او ادامه می‌دهد، "این دوره هر آنچه را که من در خصوص آموزش انتظار داشتم ارائه می‌دهد. ما با اساتید زیاد ملاقات داریم و در خصوص مواضع مختلف بحث‌های عمیق زیادی می‌کنیم. این دانشگاه در عین ایمان به وحدت کل بشر، اعتقادی کلی دارد که فرد موجودی بی‌نظیر است."

توصیف خانم مواگیر و از تجربه‌اش در لندگ به نحوی کاملاً صحیح با اهداف مطرح

شده دانشگاه انطباق دارد. اهداف مزبور توسعه و عملی ساختن یک رهیافت جدید "یکپارچه" نسبت به آموزش است که تفکر جدید علمی را با ارزشهای روحانی و اخلاقی به طریقی به هم می آمیزد که نیازهای مدنیتی مستقل و جهانی را تأمین نماید.

حسین دانش، رئیس دانشگاه، می گوید، "برنامه آموزشی ما به نحوی است که اطمینان حاصل شود دانشجویان نه تنها آخرین اطلاعات علمی و آکادمیک را در مورد تحصیلات خود دریافت نمایند، بلکه ملاحظات اخلاقی متنوعی که مرتبط با آن است نیز در اختیارشان گذاشته شود، و مضافاً یاد بگیرند چگونه آموخته های خود را در جهان واقعی به کار ببرند. "روز بیستم سپتامبر ۲۰۰۱، وقتی که لندگ به عنوان یک دانشگاه خصوصی در سوئیس، توسط مقامات کشوری و ایالتی رسماً تسجیل گردید، به سطح جدید مهمی از شناسایی واصل شد. برای حصول این موفقیت، دانشگاه می بایست از معیارهای دقیق و دشواری که دولت در سطوح ملی و محلی تعیین کرده بود برخوردار شود.

مایکل پن Michael Penn که از ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۰ به عنوان معاون دانشگاه لندگ خدمت می کرد و فعلاً به عنوان استاد وابسته کار می کند می گوید، "یکی از بارزترین مفاهیم ضمنی در وضعیت جدید لندگ این است که دولت سوئیس مشروعیت اقدام برای آموزشی را که جنبه جهانی دارد و مبتنی بر ایده روحانیت کاربردی در چارچوب مطالعات یکپارچه می باشد، به رسمیت شناخته است."

دکتر پن که استاد روانشناسی در دانشگاه فرانکلین و مارشال در پنسیلوانیای آمریکا است گفت، "این به منزله شناسایی ایده ای است که یک مؤسسه آموزش عالی می تواند به طریقی از لحاظ آکادمیک سخت و دقیق، اصول اخلاقی را در سؤال از مسائل اجتماعی عالم به کارگیرد."

لندگ به طرُق مهم دیگری نیز کسب شناسایی می کند. درصد بالایی از دانشجویان فارغ التحصیل آن به دوره های معتبر و صاحب نام دکترا در دانشگاه هایی چون استنفورد و کمبریج راه یافته اند. لندگ یک طرح آموزش صلح را نیز در بوسنی و هرزگوین شروع کرده که مورد تقدیر شدید اولیاء حکومت واقع شده است.

تکامل تدریجی

تکامل لندگ به یک دانشگاه تمام عیار یک جریان تدریجی بوده است. دانشگاه

بین‌المللی لندگ، که در زمینی به وسعت ۳۱ جریب روی تپه‌های مُشرف بر دریاچه کُنستانس Constance در روستای ساده و زیبای سویسی ویناخت Wienacht واقع است، قبلاً به نام آکادمی لندگ شناخته می‌شد و به عنوان یک مرکز کنفرانس مورد استفاده قرار می‌گرفت. لندگ، در نقش مزبور، به عنوان وسیله‌ای جهت تعدادی از اجتماعات مهم، از جمله یک رشته از گفتگوهای بین‌المللی در خصوص انتقال به یک جامعه جهانی مورد استفاده بود. اولین مورد از چنین گفتگوهایی در ماه سپتامبر ۱۹۹۰ برگزار شد که فدریکو مایور Federico Mayor دبیرکل وقت یونسکو، کاران سینگ Karan Singh، مؤلف و سیاستمدار برجسته هندی، و برتراند شنایدر Bertrand Schneider دبیرکل وقت کلوب رُم در آن شرکت کردند.

لندگ علاوه بر چنین اجتماعات سطح بالایی، میزبانی تعدادی از جلسات بین‌المللی را نیز بر عهده گرفت که بر مطالعات صلح و نظم جهانی برای جوانان متمرکز بود. محوطه دانشگاه که در حال حاضر شامل نه ساختمان می‌باشد، در قرن نوزدهم به عنوان یک پناهگاه جهت تعطیلات ساخته شد. در سال ۱۹۸۲ یک خانواده بهائی آن را در اختیار گرفتند و اموال و املاک آن به بنیاد جدید التأسيس بین‌المللی بهائی لندگ که تحت نظارت جامعه بهائی سویس عفل می‌کرد اهداء شد. بنیاد مزبور نوسازی ابنیه اصلی آن را به عهده گرفت و مرکز کنفرانس مزبور را تاسیس کرد. در اواسط دهه ۱۹۹۰، بنیاد تصمیم گرفت نقش لندگ به عنوان مرکز آموزشی را رسمیت بخشد و لذا وظائف لندگ به یک هیأت مستقل احاله گردید. لندگ برنامه‌ای به نام "آموزش برای صلح ایجاد کرد که هدف آن کمک به جوامع جنگ‌زده است تا آموزش صلح را در برنامه آموزش رسمی مدارس عمومی خود وارد کنند. در حال حاضر، آموزش برای صلح یک برنامه آزمایشی مقدماتی در شش مدرسه در سه جامعه مختلف در بوسنی هرزگووین را اجرا می‌کند که محصلین آن به شش هزار نفر بالغ شده‌اند.

مراسم پنجاهمین سال ورود امر مبارک به زامبیا

۲۱ اکتبر ۲۰۰۱

یاران عزیز محبوب

جامعه بهائی زامبیا اشواق قلبیه و تحیات صمیمانه خود را تقدیم می‌دارد. در کمال سرور ما بلیم این خبر هیجان‌انگیز را به اطلاع برسانیم که سال ۲۰۰۲ مبین پنجاهمین سال ورود امر مبارک به زامبیا، واقع در قلب آفریقا، است.

در ماه فوریه ۱۹۵۲، اریک متون Eric Manton انگلیسی اولین مهاجر به زامبیا بود که به صلاحی حضرت ولی امرالله برای قیام مهاجرین جهت عزیمت از جزایر بریتانیا به آفریقا لیک گفت. او در تلاش ایثارگرانه خود برای خدمت به امر مبارک به سراسر زامبیا سفر کرد. ده سال بعد اریک به استان شمال غربی زامبیا سفر نمود که در آنجا به ابلاغ پیام مبارک حضرت بهاءالله داد و تعداد کثیری از نفوس را به امر مبارک جذب نمود. مدت سی سال، آقای متون در زامبیا به امر مبارک خدمت کرد تا آن که از محدوده این قالب ترابی رهایی یافت. امروزه استان شمال غربی زامبیا بزرگترین جمعیت بهائی و نیز تنها شورای منطقه‌ای بهائی را دارا است. در طول سالها و با مهاجرین کثیری که به این سرزمین آمدند و برخی از آنها بعد از مدتی رفتند و بعضی ماندند، متجاوز از ۱۴'۰۰۰ نفر در زامبیا به امر مبارک اقبال کردند. الیوم جامعه بهائی زامبیا افتخار دارد که دارای اعضای با سوابق و ملیت‌های مختلف است که در معیت یکدیگر برای اتساع نطاق امرالله که تقریباً پنجاه سال قبل در این خطه تأسیس شد، فعالیت می‌کنند.

این جامعه بهائی برای برگزاری جشنهای سرور انگیز پنجاهمین سال امر مبارک در زامبیا، از ششم تا هشتم ژوئیه سال ۲۰۰۲ مراسمی را در لوزاکا Lusaka منعقد خواهد ساخت. ما نمایندگانی از مرکز جهانی، مقامات عالی‌مملکتی، مؤسسات مذهبی و نیز جامعه جهانی بهائی و بخصوص نفوسی که در پنجاه سال گذشته به زامبیا مهاجرت یا مسافرت نموده‌اند دعوت می‌کنیم که در این مراسم به جامعه ملی ما بپیوندند. بلا تردید، این موضوع باعث اعلان عمومی و تقویت و تحکیم بیشتر امر مبارک در زامبیا خواهد شد.

اگر نمایندگان جامعه شما در نظر دارند در این مراسم حضور یابند، لطفاً در اسرع وقت به نشانی ارائه شده در ذیل با کمیته مربوطه تماس حاصل نمایید.

در ماههای آینده، اطلاعات تفصیلی بیشتری برای شما ارسال خواهیم داشت. در این ضمن چنانچه سؤالی دارید بلا تأمل با ما تماس بگیرید.

با تحیات بدیعۀ بهیة -
از طرف کمیته برگزاری مراسم پنجاهمین سالگرد

نشانی پست الکترونیک کمیته: bahai50@zamnet.zm

کمک مالی دولت به طرح آموزش فنی با الهام از تعالیم بهائی

مانائوس، برزیل، ۱۶ نوامبر ۲۰۰۱

یک سازمان توسعه در حوزه آموزش گه با الهام از تعالیم بهائی فعالیت می‌کند، به عنوان بخشی از برنامه دولت جهت کاهش عدم اشتغال، کمک مالی عظیمی را از وزارت آموزش و پرورش برزیل جهت توسعه برنامه آموزش فنی - حرفه‌ای دریافت کرد. هدف آن ارائه دوره‌هایی به بیش از چهار هزار محصل در سال تا سنه ۲۰۰۶ میلادی است.

این کمک مالی که معادل ۸۵۰'۰۰۰ دلار آمریکایی می‌باشد، به انجمن توسعه منسجم آمازون^(۱) برای ساخت و تجهیز یک ساختمان سه طبقه آموزش فنی در یک ملک ۱۲ جریبی در مانائوس Manaus، واقع در حومه سان خوزه Sao Jose پرداخت می‌شود. این ساختمان طبق برنامه زمانی، در ماه دسامبر آغاز خواهد شد و در ژوئیه ۲۰۰۲ پایان خواهد یافت.

فریال سامی فرزین مدیر کل انجمن توسعه می‌گوید، "این پروژه یک طرح معظم توسعه فرصتهای آموزش حرفه‌ای در این ناحیه است که به علت سطح بالای عدم اشتغال در حوزه آمازون، بخصوص در میان جوانان، بسیار مورد نیاز است. هدف ما تلاش برای ارتقاء کیفی زندگی و به ظهور رساندن استعدادهای بالقوه جمعیت روستایی است تا رهبران طلایه حمایت از توسعه و پیشرفت خود باشند."

طبق شرایط اعطاء کمک، پنجاه درصد این وجه برای ساختمان و پنجاه درصد باقیمانده برای تجهیز ساختمان به وسایلی چون کامپیوتر، صندلی، میز، لوازم، و تخته سیاه صرف خواهد شد. انجمن تمام مخارج را با اتکاء به شهریه و نیز اعانات داوطلبانه به صندوق آن، متعهد خواهد شد. همچنین، طبق شرایط این قرارداد اعطاء کمک مالی، پنجاه درصد از محصلین از پرداخت تمامی شهریه معاف خواهند بود.

نام این تأسیس جدید، مؤسسه فنی مسرور خواهد بود. برنامه‌های فعلی ایجاب می‌کند که این ساختمان دارای آزمایشگاه‌های زیر باشد: طراحى، کامپیوتر، تهویه مطبوع، زبان، موسیقی، سرامیک، نساجی، شیمی، زیست‌محیطی، الکترونیک و هنرشناختی. فضای طبقه همکف این بنا بالغ بر ۲۸۰۰ متر مربع خواهد بود.

- در ابتدا دروسی در رشته‌های مدیریت بازرگانی، توسعه اجتماعی، تسهیل، و

تکنولوژی زیست‌محیطی ارائه خواهد شد. تا سال ۲۰۰۳ همراه با افزایش مدرّسین، دوره‌هایی در زمینه طرّاحی، تغذیه و تکنولوژی تهویه مطبوع به آن افزوده می‌گردد. تعدادی دوره‌های کوتاه‌مدت تک‌موضوعی، مقدّماتی در مواضع مشابه نیز عرضه خواهد شد.

مؤسسه امیدوار است با ارائه برنامه‌ها در صبح، بعد از ظهر، و شامگاه بتواند حدّاکثر استفاده را از تسهیلات برای تشکیل کلاسها به بیشترین میزان ممکن توفیق یابد. مؤسسه انتظار دارد تا سال ۲۰۰۶ میلادی هیأت علمی خود را به حدّاکثر مورد پیش‌بینی برساند و بتواند سالانه تقریباً ۶۴۰ محصل را در مواضع اصلی، و ۴۳۵۰ نفر دیگر را در دوره‌های کوتاه‌تر مقدّماتی آموزش دهد.

خانم فریال سامی فررین می‌گوید، "انجمن توسعه به نفوس محروم، که اکثراً فاقد هر گونه یاری و یاور، و بی‌بهره از خدمات آموزشی و اجتماعی هستند، خدمت خواهد کرد. محلّ استقرار آن در وسط یکی از فقیرترین محلات مانائوس و در خدمت نفوسی است که، اگر این طرح ایجاد نمی‌شد، از هیچ فرصت دیگری برای توسعه استعدادهای مکنون خود بهره‌مند نبودند."

انجمن توسعه ۱۶ سال قبل ایجاد شد و اولین طرح آن ایجاد یک دارالایتام بود. انجمن با کسب اختیار برای اجرای اصول بهائی، به زودی برنامه‌های دیگری برای مساعدت به جوانان مانائوس به آن اضافه خواهد کرد. در حال حاضر، انجمن سه برنامه عمده بزرگ را در دست اجرا دارد. یک مدرسه ابتدایی، یک طرح رهبری جوانان و یک طرح خدمات سرپرستی شده جوانان. فعلاً بیش از هفتصد جوان از این برنامه‌ها استفاده می‌کنند.

خانم فرزین می‌گوید، "در تمام برنامه‌های ما، هدف اولیه و مبرم عبارت از ایجاد موازنه بین تعلیمات مادی با آموزش روحانی و اخلاقی فردی است تا به اهالی آمازون مساعدت شود استعدادهای مکنون و ذاتی خود را توسعه بخشند و نیز بتوانند در توسعه اجتماعی و اقتصادی خود کفایت گردند. ما، با توجه به تجارب طولانی که با سایر سازمانها در این منطقه داریم، سعی می‌کنیم این برنامه‌ها را متناسب با نیازهای ناحیه ترتیب دهیم و در عین حال در اقدامات و فعالیت‌های خود، اصول بهائی را مدّ نظر داشته باشیم."

قرارداد کمک مالی در مراسمی که روز ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در مقرّ وزارت آموزش و پرورش در برازیلیا برگزار شد، به امضاء رسید. چندین نفر از اولیاء حکومت مرکزی و ایالتی، از جمله وزیر آموزش و پرورش برزیل، پروفیسور پائولو رناتو Paulo Renato حضور داشتند.

نمایندگی انجمن را خانم فرزین به عهده داشت. مهمانان مدعو عبارت بودند از کارلوس آلبرتو سیلوا Carlos Alberto Silva به نمایندگی از طرف محفل روحانی ملی بهائیان

برزیل، وگیتی میلانی به نمایندگی از طرف انجمن مسرور، که اهداء کنندهٔ کمک به طرح مزبور در مانائوس می‌باشد. خانم فرزین افزود که مؤسسه هیأت علمیه‌اش را در چند سال آینده به میزان معتابیهی گسترش خواهد داد و نیز اظهار داشت که امیدوار است بهائیان در سراسر عالم با زمینه‌ها و سوابق مناسب کتباً تقاضای خدمت در این مؤسسه را ارسال دارند.

مشارکت بهائیان در گفتگوهای بین‌الادیان در خصوص دین و بوم‌شناسی

سینسیناتی، ایالات متحده، ۶ سپتامبر ۲۰۰۱

در ماه سپتامبر، با توجه به مشارکت فزاینده بهائیان در مشاورات و مذاکرات بین‌الادیان در خصوص مواضع عمده اجتماعی، نظریه بهائی در خصوص محیط زیست در کنفرانس بین‌الادیان در زمینه دین و بوم‌شناسی، در دانشگاه زاویه^(۱) بیان گردید.

سمپوزیوم دین و بوم‌شناسی که در تاریخ ۵ و ۶ سپتامبر ۲۰۰۱ منعقد گردید، اولین برنامه مؤظّم مرکز مذاکرات بین‌الادیان بروگمن Brueggeman است که سال گذشته افتتاح گردید.

برنامه شامل بیان نظریه‌های مسیحی، بودایی، هندو، کلیمی و بومیان آمریکایی در خصوص محیط زیست و ارتباط آن با اعتقادات مذهبی و ادیان بود.

سخنران بهائی دکتر روکسان لالوند Roxanne Lalonde استاد دانشگاه در دپارتمان علوم ارضی و جوّی در دانشگاه آلبرتا در ادمنتون کانادا و جناب پیتر آدریانس Peter Adriance رابط محفل روحانی ملّی با سازمانهای غیردولتی بود. مقررّ جناب آدریانس در دفتر امور خارجی محفل در واشنگتون است. در این سخنرانی مشترک، دکتر لالوند در خصوص اصول روحانی که اساس نگرش امر بهائی به محیط زیست است، و جناب آدریانس در خصوص مساعی بین‌المللی بهائی برای ترقّی و تقدّم این اصول به بیان مطلب پرداختند.

دکتر لالوند در بیانات خویش خاطر نشان ساخت که آثار بهائی در مورد طبیعت به عنوان محلّ تجلّی الهی سخن می‌گویند و تمامی حیات را مرتبط به هم و وابسته به هم مشاهده می‌کنند. تعالیم بهائی معتقد به اصول اعتدال، تواضع و احترام به موازنه و تعادل بوم‌شناختی هستند.

دکتر لالوند گفت، "بینش بهائی در مورد مدنیّتی که هزاران سال در آینده امتداد خواهد داشت اشاره به آن دارد که نفوس انسانی دارای مسئولیتی عمیق و شدید برای حراست از خلقت الهی هستند. او افزود که یک بینش جهانی برای ایفای این وظیفه حراست ضروری است."

۱- این نام Xavier به صورت زاویه، زاویر، و نیز به صورت اسپانیولی خاویر خوانده می‌شود. اصل نام مربوط به شخصی مسّی به Saint Francis Xavier میسیونر مذهبی یسوعی اسپانیایی می‌باشد که در ۱۵۰۶ به هند، سیلان و ژاپن عزیمت نمود - م

خانم لالوند، با نقل این بیان حضرت بهاء‌الله که می‌فرمایند، "اصلاح عالم و راحت امم ... ظاهر نشود مگر به اتحاد و اتفاق"،^(۱) گفت تعالیم بهائی به وضوح پذیرش اصول وحدت عاتله بشری از طرف عالم انسانی را یک پیش شرط برای حصول توسعه پایدار تلقی می‌کنند.

بیانات جناب آدریانس بر سه نمونه مساعی جامعه بهائی برای ترقی و تقدّم این اصول روحانی متمرکز بود: مشارکت بهائیان در اجلاس سران ارض در سال ۱۹۹۲؛ مشارکت بهائیان در جهت توسعه منشور کره ارض؛ و کاربرد موازین حفاظت منابع طبیعی در ایجاد حدائق بهائی و طبقات کوه کرمل.

جناب آدریانس در اشاره به کنفرانس محیط زیست و توسعه که در سال ۱۹۹۲ توسط سازمان ملل متحد در ریو دو ژانیرو تشکیل شد چنین گفت، "در طی تمهید تدارکات برای اجلاس سران ارض جامعه بین‌المللی بهائی چندین بیانیه رسمی در خصوص پیشرفت اصول روحانی صادر کرد و طرح‌های ابتکاری را آغاز نمود که این اصول را به طرق مختلف انتقال دهد." طرح‌های مورد حمایت جامعه بین‌المللی بهائی در اجلاس سران ارض شامل یک سمپوزیوم در خصوص سجایای رهبری برای یک مدنیت پایدار، یک کتاب مقالات و هنر کودکان در مورد آینده، یک بنای یادبود صلح و یک رشته جلسات فرهنگی متحدکننده در میز گرد جهانی سال ۹۲، یک اجتماع سازمانهای غیردولتی در زمان انعقاد جلسه سران بود.

جناب آدریانس همچنین گفت که نمایندگان بهائی در ایجاد منشور کره ارض، یعنی بیانیه اصول اخلاقی برای زندگی پایدار در کره ارض و ماحصل مورد انتظار اجلاس سران سال ۹۲، مشارکت داشتند.

جناب آریانس اظهار داشت، "تعیین محتوای منشور کره ارض به یک جریان مشورتی دهساله تکامل یافت. در طی این جریان، اصول مشورتی غالباً به پرورش یک حس وحدت در میان شرکت‌کنندگان متنوعی کمک می‌کرد. وقتی که منشور نهایی کره ارض در اوایل سال ۲۰۰۰ انتشار یافت، بسیاری از اصولی که برای بهائیان مهم است در این سند منعکس بود."

جناب آدریانس همچنین موضع بهائی در مورد این منشور را توضیح داد. او خاطر نشان ساخت، "در عین حال که جامعه بین‌المللی بهائی منشور کره ارض را رسماً مورد تأیید قرار نمی‌دهد، مساعی مبذوله در جهت تهیه پیش‌نویس آن و فعالیت‌های انجام شده در حمایت

۱- مقدمه کتاب اقدس، طبع مرکز جهانی، ص ۲۲

اهداف اساسی آن را بسیار قابل ستایش می‌داند و به شرکت در فعالیت‌های مربوطه، مانند کنفرانس‌ها، میزگردهای مشورتی و امثال آن ادامه خواهد داد.

آخرین بخش سخنان جناب آدریانس بر طرح حدائق بهائی و طبقات کوه کرمل در حیفا متمرکز بود که اخیراً تکمیل شده است. علاوه بر پرداختن به موازین عملی مرتبط با توسعه حدائق و طبقات، مانند حفظ منابع آب، روشهای حیاتی کشت، کاهش استفاده از مواد کشنده حشرات و علفهای خودرو و جزئیات آموزشی مرتبط با آن، جناب آدریانس بر هدف روحانی باغها در حصول آمادگی زائرین و بازدیدکنندگان برای نزدیک شدن به یکی از مقدس‌ترین اماکن بهائی تأکید کرد.

بیانات ایشان همراه با یک رشته تصاویر از نتایج این طرح بود که در بُعد وسیعی مورد مدح و ستایش قرار گرفته است. حضار نسبت به طریقه انعکاس تعادل و موازنه پویا بین مسائل عملی و روحانی توسط این حدائق ابراز اشتیاق و علاقه نمودند. جناب آدریانس، در انتهای سخنان خود یک جلد کتاب مجلل مصور شامل تصاویری از طبقات جدید مزین به حدائق را که توسط دفتر امور جهانگردی حیفا انتشار یافته است، از طرف محفل روحانی ملی به پدر روحانی جوزف برکن Father Joseph Bracken مدیر مرکز بروگمن هدیه کرد.

مشارکت بهائیان با مجهودات فرامرز سمندری، عضو جامعه بهائی سینسیناتی و خزانه‌دار مرکز بروگمن تسهیل شد. یکی از جلسات افتتاحیه مرکز، اجتماع هزاره صلح ۱۹۹۹ بود که بیش از هشت هزار نفر را به خود جذب کرد. در این جلسه، کارگاه جوانان نمایش رقصی در خصوص وحدت ادیان اجرا کرد.

مرکز بروگمن به نام یکی از اعضای هیأت علمیه زاویه که برای اعتلای تفاهم بین کاتولیکها، پروتستانها، مسلمین و کلیمیان تلاش کرده، تسمیه شده است. پدر روحانی برکن می‌گوید، "این مرکز با جمع کردن گروههای متنوع مذهبی به دور هم، قادر است از یک رشته نظریات برای حلّ معضلات زیست‌محیطی و انسانی که فراروی بشریت قرار دارد، استفاده نماید."

جامعه بین‌المللی بهائی در سالهای اخیر در چندین جلسه بین‌الادیان در خصوص مواضع اجتماعی، از اجلاس سران در خصوص ادیان و حفظ منابع طبیعی، که در سال ۱۹۹۵ در ویندسور کسبل Windsor Castle انگلستان تشکیل شد، تا جلسه مذاکرات ادیان درباره توسعه منعقد شده با حمایت بانک جهانی، مشارکت داشته است.

گردهمایی گروه‌های دینی، از جمله بهائیان آلمان، برای بحث دربارهٔ محیط زیست
گوتینگن، آلمان (سرویس خبری عالم بهائی) - در یک جلسهٔ بین‌المدها که در ماه مه تشکیل شد، نمایندگان ادیان عمدهٔ آلمان، از جمله امر بهائی، پیش‌نویس یک یادداشت را تهیه و تصویب نمودند. این یادداشت بر زمینهٔ مشترک بین ادیان در خصوص تغییرات جوئی و زیست‌محیطی تأکید می‌کند.

عنوان این جلسه که توسط گاتفرید اورت Gottfried Orth، ریاست ارنست لانگه انستیتو برای مطالعات وحدت جهانی کلیساها^(۱) و تحت نظارت عالیۀ وزارت محیط زیست فدرال آلمان در روزهای ششم و هفتم ماه مه ۲۰۰۲ تشکیل شد، "گفتگوی جهت‌یابی ادیان موجود در آلمان در خصوص سیاست‌های زیست‌محیطی با توجه به موضوع جو" بود. هدف اصلی این جلسه گسترش گفتگوی بین دولت و ادیان مختلف در آلمان در خصوص مواضع زیست‌محیطی به عنوان بخشی از فرایند تقویت پذیرش و مسئولیت ارکان مهم جامعه بود.

شرکت‌کنندگان شامل سه نمایندهٔ کلیساهای کاتولیک و پروتستان، دبیر کل شورای مرکزی مسلمین و یک مشاور علمی، عضوی از شورای اتحادیهٔ بودائیان و دو بودایی دیگر، و سه نمایندهٔ جامعهٔ بهائی آلمان می‌شدند. ناظرینی از کنفرانس جهانی دین و صلح، و گروهی به نمایندگی از طرف منشور زمین در این جلسه حضور داشتند.

یادداشت‌هایی که توسط نمایندگان صادر شد اظهار می‌دارد، صرف نظر از اختلافات بین آثار مقدسه و روایات و سنن ادیان گوناگون، زمینه‌های مشترک زیادی بین آنها در خصوص طبیعت و محیط زیست وجود دارد که مسئولیت مشترک برای اقدام را مطرح می‌سازد.

در این یادداشت آمده است، "سبب اصلی انهدام طبیعت و مبنای حیات بر روی زمین عبارت از اتلاف کالاها و منابع است. ما در ممالک صنعتی باید مسئولیت اولیهٔ خود در ارتباط با تهدید جهانی حیات را تشخیص دهیم. ما نمی‌توانیم بر شیوهٔ زندگی با مصرف بسیار زیاد انرژی و انتشار گازهای گلخانه‌ای که قابل تعمیم به تمام جهان نیست، اصرار بوزیم."

در این یادداشت آمده است، محبت، عدالت و اخلاق می‌توانند اساس و شالودهٔ توسعهٔ پایدار شوند و این نکته‌ای است که باید در اجلاس سران عالم در مورد توسعهٔ پایدار، که

تشکیل آن برای ماه اوت در ژوهانسبورگ واقع در آفریقای جنوبی، برنامه‌ریزی شده است. مدّ نظر قرار گیرد. در این یادداشت همچنین تأکید شده است که مصرف آب، که در جمیع ادیان مظهر حیات روحانی است، باید به همان میزان مورد توجه واقع شود.

اینگو هافمن^(۱) که همراه با اولریش گولمر^(۲) و فریدو زولسر^(۳) به نمایندگی از طرف جامعهٔ بهائی آلمان در این جلسه حضور داشتند گفت، "تقریباً دو سوم زمان جلسه به ایراد بیانات در خصوص موضع ادیان گوناگون دربارهٔ خلقت، طبیعت، انسان، نگرش‌های اخلاقی، طرز تلقی نسبت به پیش‌بینی‌های علمی در خصوص تأثیرات جوّی و نیز وجوه اقدامات سیاسی اختصاص یافت." دکتر هافمن، که استاد فیزیک در دانشگاه فرانکفورت است، گفت، "اما این بیانات با جلسات طولانی سؤال و جواب پی گرفته شد. در پایان اتفاق نظر وجود داشت که تمامی این جلسه به نحو قابل توجهی از روحیهٔ گفتگو و صداقت و سعهٔ صدر برخوردار بود و نمونهٔ مطلوبی از گفتگوی دینی در خصوص یک مسألهٔ حادّ جامعه به کار گرفته شد."

در این یادداشت، هر یک از ادیان علاقه‌ای خاصّ نسبت به محیط زیست ابراز داشت. به گفتهٔ دکتر هافمن، اظهار نظر بهائیان چنین بود، "در نظر بهائیان، طبیعت و نوع بشر یک هويت زنده هستند، که ما اصول اقدام صحیح و منطبق با نیازهای زیست‌محیطی و عدالت اجتماعی را از آنها اقتباس می‌کنیم."

جورگن تریتین^(۴) وزیر محیط زیست فدرال آلمان در روز دوم جلسه حضور یافت و یادداشت مزبور تسلیم او شد. او در کنفرانسی که به نحوی مطلوب تحت پوشش مطبوعاتی قرار گرفته بود بر اهمیت ادیان در فرایند پذیرا ساختن جامعه نسبت به مواضع زیست‌محیطی تأکید کرد. این گفتگو به عنوان پیگیری جلسهٔ وزرای محیط زیست و رهبران مذهبی G-8 در مارس ۲۰۰۱ در تریسته^(۵) تشکیل شد. در جلسهٔ مزبور، رهبران مذهبی از دولتها تقاضا کردند برای مسائل زیست‌محیطی اولویت بیشتری قائل شوند. برای پیگیری موضوع، جوامع مذهبی فرایند بحث و مذاکره در خصوص مواضع زیست‌محیطی در داخل و خارج از جوامع خود را ادامه خواهند داد. کتابی شامل بیانیه‌های جوامع مذهبی گوناگون نیز در دست تهیه است که طبق برنامهٔ زمانی، باید در پائیز ۲۰۰۲ منتشر شود. یادداشت مزبور مبین تعهدی برای ادامهٔ گفتگو در سطوح محلی، منطقه‌ای و اروپایی است.

Ulrich Gollmer - ۲

Jurgen Trittin - ۴

Ingo Hofmann - ۱

Friedo Zolzer - ۳

Trieste - ۵

مأخذ: سرویس خبری بهائی انگلستان
تاریخ: ۲۲ مه ۲۰۰۲
پیام محفل روحانی انگلستان در خصوص پیام معهد اعلی به رهبران مذهبی
یاران عزیز معنوی

از زمانی که پیام بیت‌العدل اعظم خطاب به رهبران مذهبی به گرمی توسط هاخام اعظم در ۱۰ مه دریافت شد تا کنون، محفل روحانی ملی پیام مزبور را به نفوس دیگر نیز عرضه نموده است:

- ۱- اعزام نماینده نزد اسقف اعظم کانتربوری
- ۲- اسقف اعظم گریگوری در تیاتیرا^(۱) و بریتانیای کبیر، اسقف اعظم ارتدوکس یونانی
- ۳- عالیجناب اندرو سامرزیل، دبیر کل کنفرانس اساقفه کاتولیک انگلستان و ولز، که پیام را از طرف کاردینال کورماک مورفی اوکانر^(۲)، اسقف اعظم وست مینستر و ریاست کلیسای انگلستان دریافت نمود.

بعد از جلسه‌ای که با کشیش اسقفیه کانتربوری انجام شد، محفل روحانی ملی نامه‌ای از خود اسقف اعظم دریافت نمود که طی آن از این که، به علت فشار کارهای برنامه‌ریزی شده، نتوانسته است شخصاً با نمایندگان محفل روحانی ملی ملاقات نماید، پوزش خواسته بود. در نامه وی آمده است، "شما واقف هستید که، بخصوص در ماههای اخیر، چقدر در امور خویش برای تفاهم بین مذاهب اولویت قائل شده‌ام. من با شما در این نظریه موافقم که همه ما باید به این مسأله پردازیم که چگونه ادیان مختلف ما می‌توانند قوایی برای صلح و عدالت شوند. بحث و مذاکره زیاد بین جوامع برای تعقیب این هدف لازم است؛ از پیامی که شما تسلیم نمودید باید طرّقی را که جامعه بهائی برای پرداختن به این مواضع طالب است فراگیریم".

در هر یک از ملاقاتها با رهبران مذهبی، نمایندگان محفل روحانی ملی در کمال ادب و احترام و محبت، با رعایت اصل برابری، پذیرفته شدند و در کمال مهمان‌نوازی با آنها رفتار شد. این موضوع بخصوص در ملاقات با عالیجناب اندرو سامرزیل مصداق داشت. هیأت نمایندگی محفل روحانی ملی با احترامی زایدالوصف توسط یک هیأت قابل توجه کاتولیک استقبال شد. اعضاء هیأت مزبور عبارت بودند از: پدر روحانی برنارد لانگلی^(۳)، قائم‌مقام دبیرکل کنفرانس اساقفه کاتولیک؛ خانم آن نونان^(۴) از کمیته سایر ادیان وابسته به کنفرانس

۱- Thyateira مترجم: توضیحی برای این نام یافت نشد، مگر آن که نام قدیم آق حصار واقع در ترکیه می‌باشد.

۲- Cardinal Cormac Murphy-O'Connor

۴- Ms Anne Noonan

۳- Fr Bernard Longley

اساقفه؛ دکتر دیوید رایال^(۱)، مدیر امور بین‌المللی برای کنفرانس اساقفه؛ و آقای اولیور ویلسون^(۲)، مدیر ارتباطات. دفتر امور خارجی محفل روحانی ملی با آن نونان و دیوید رایال، که هر دو از محبین امر مبارک هستند، همکاری نزدیکی دارد.

جلسه با مدّت زمانی که به دعای در سکوت اختصاص یافت شروع شد و بعد عالیجناب سامرزگیل با خوش آمدگویی به بهائیان رسماً جلسه را افتتاح کرد. منشی محفل روحانی ملی به طور خلاصه مطالب پیام را بیان کرد و پوشه‌ای حاوی پیام مزبور را به عالیجناب سامرزگیل تسلیم داشت. او از نمایندگان جامعه بهائی تشکر کرده قول داد که کاردینال مورفی اوکانر پیام را دریافت خواهد داشت. بعد، بحثی پرمحتوی و احترام‌آمیز با هیأت نمایندگی کاتولیک جریان یافت که در طی آن سؤالات جالبی مطرح شد و بیت‌العدل اعظم به وضوح به عنوان رهبر یک دیانت جهانی شناخته شدند. ابداً اشاره یا کنایه‌ای که حاکی از احساس تفوق و ضعیف‌نوازی باشد ابراز نشد.

پدر روحانی برنارد لانگلی سؤال کرد که آیا می‌توانند پیام را به اتّحادیه کلیساهای بریتانیا و ایرلند و نیز اتّحادیه کلیساهای انگلستان، که هر دو از ارکان مهم وحدت جهانی کلیساهای در بریتانیای کبیر هستند، نیز بدهند. منشی محفل روحانی ملی خاطر نشان ساخت که منعی بر این کار مترتب نیست. سپس، عالیجناب سامرزگیل نسخه‌ای از پیام پاپ به مناسبت جشن روز جهانی صلح مورخ اول ژانویه ۲۰۰۲، و مدال بزرگی را که به مناسبت یکصد و پنجاهمین سالگرد اعاده سلسله مراتب کاتولیک به انگلستان و ولز ضرب شده بود، به منشی محفل روحانی ملی هدیه کرد.

مکتوب بسیار مثبتی از عالیجناب دیوید کافی^(۳)، دبیر کلّ اتّحادیه باپتیست بریتانیای کبیر دریافت شد که در طی آن ترجیح داده بود پیام را توسط پست دریافت دارد. در نامه‌اش آمده است، "همانطور که بحق نوشته‌اید افراط‌گرایی مذهبی و بزرگی خطرناک زندگی امروز است و من در تعهد شما برای پیشبرد گفتگو بین ادیان مختلف و رهبران آنها جهت مقابله با تعصب و منازعه کاملاً شریک و سهیم هستم ... از دریافت پیامی که قرار است برای من بیاوریم خوشحال خواهم شد..."

ترتیباتی در دست اقدام است تا توسط اعضاء شوراهای محترم بهائی، به نمایندگی از طرف محفل روحانی ملی، پیام به رهبران برجسته مذهبی در ایرلند شمالی، اسکاتلند و ولز

تسلیم گردد. تاکنون، در پاسخ به نامه‌های اولیه که در آنها تقاضای ملاقات شده است، همه جوابهای مثبت و یکسانی داده‌اند.

ترتیب جلسات ملاقات با رهبران برجسته ملی مسلمان و هندو در انگلستان داده خواهد شد و سایر رهبران، در فاصله زمانی کوتاهی، آن را به وسیله پست دریافت خواهند نمود.

عنقریب، در نامه‌ای خطاب به محافل روحانی محلی، دستورالعمل لازم برای اقدامات ارسال خواهد شد.

با تحیات ابدع ابهی

بارنی لیث - منشی محفل روحانی ملی

یادداشت‌هایی از سخنرانی جناب پاول لمپل

مکان: آوکلند، نیوزیلند زمان: ۱۷ مه ۲۰۰۲

توضیح: جناب پاول لمپل Paul Lample، هم‌آهنگ کننده دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی در مرکز جهانی، و مؤلف کتاب *Creating a New Mind* (ایجاد ذهنیت جدید)، از ۱۴ تا ۱۷ ماه مه، بازدیدی سریع از نیوزیلند به عمل آوردند، که در طی این مدت در چند اجتماع از یاران در آوکلند، ولینگتون و کرایست چرچ به ایراد سخنرانی پرداختند.

در سال ۱۹۵۳ وقتی که جهاد روحانی دهساله شروع شد، دوازده محفل روحانی ملی، برای اولین بار در یک نقشه واحد با هم فعالیت کردند. در طی سال اول نقشه، صد کشور و سرزمین مفتوح گردید، که بیش از جمیع کشورهای بود که در تمامی سالهای قبل از آن به روی امر مبارک گشوده شده بود. نقشه‌های متوالی ابتدا استخوان‌بندی را ایجاد کرد، بعد گوشت به آن افزوده شد. هر یک از نقشه‌ها عناصر جدیدی را افزود. فی‌المثل، اهداف هفتگانه نقشه شش ساله هنوز در نقشه‌های بعدی تعقیب می‌شوند.

در سال ۱۹۶۳ حدود ۴۰۰'۰۰۰ بهائی در سراسر دنیا وجود داشت.

در سال ۱۹۹۰ این تعداد به چهار میلیون نفر رسید و در سال ۱۹۹۲ قریب ۵ میلیون نفر

در سراسر دنیا به امر مبارک ایمان داشتند.

کتاب "قرن انوار" دوران بین ۱۹۶۳ و ۱۹۹۶ را به عنوان یک دوره آزمایشی در سراسر جهان، مورد بحث قرار می‌دهد. وقتی که نقشه چهارساله در سال ۱۹۹۶ شروع شد، بیت‌العدل اعظم مجموعه جدیدی از هدایات را مبتنی بر آنچه که در دوره آزمایشی قبل از آن حاصل شده بود، عنایت فرمودند. از سال ۱۹۹۶ به بعد، بیت‌العدل اعظم به دقت عالم بهائی را در جریان یادگیری هدایت می‌فرمایند. عنصر اساسی و اصلی آن، جریان مؤسسات آموزشی بود. در دو سال اول نقشه چهارساله، جریان مؤسسات آموزشی دوره آزمایشی را طی می‌کردند. بعد، در سال ۱۹۹۸ بیت‌العدل اعظم اطلاعاتی در مورد موفق‌ترین الگوها در عالم که منبعت از این آزمایش بود در اختیار جامعه جهانی بهائی قرار دادند (فیلم ویدیویی *Culture of Growth* (فرهنگ رشد) و مطلب مکتوب در خصوص جریان مؤسسات آموزشی را به خاطر بیاورید)، و کل عالم بهائی به سوی استفاده از الگوهای موفق روی آورد. در نقشه دوازده‌ماهه (۲۰۰۰)،

مطلب تهیه شده توسط دارالتبلیغ بین‌المللی در خصوص مؤسسات آموزشی هدیای باز هم بیشتری مبتنی بر تجارب و دانش حاصله از دو سال گذشته فراهم آورد. آزمایشهای مربوط به برنامه‌های رشد منطقه‌ای به حصول معلومات در این مورد که چگونه مجموعه‌بندی (clustering) می‌تواند مبنایی برای رشد باشد، منجر گردید. اکنون در نقشه پنجساله، ما هدیای بیشتری از بیت‌العدل اعظم در مورد نحوه اجرای جریان مجموعه‌بندی در اختیار داریم (دستخط ۹ ژانویه ۲۰۰۱ که شامل مطالب آموخته شده از آزمایشهای مربوط به برنامه‌های رشد منطقه‌ای می‌شود). تمامی نقشه‌ها تا سال ۲۰۲۱ بر یک هدف، یعنی ترقی و تقدّم جریان دخول افواج مقبلین، متمرکز خواهد بود.

ما، در سومین دوره امر مبارک، در حال پیگیری:

۱- انتشار امرالله و

۲- توسعه و ایجاد تمایز^(۱) هستیم. ما هم‌اکنون در مرحله

۳- اتحاد و یکپارچگی، و نفوذ و رسوخ هستیم.

تاکنون در سراسر عالم، پانزده هزار مجموعه توسط ۱۵۰ جامعه ملی تعیین هویت شده است. هر یک از مجموعه‌ها دارای یک هدف غائی نفوذ و رسوخ است، یعنی رسوخ به اعماق جامعه بزرگتر و برخورداری از رشد فشرده. از آنجا که ما هنوز کاملاً نمی‌دانیم این فرایند مجموعه‌بندی چگونه عمل می‌کند، بیت‌العدل اعظم می‌فرماید که باید به جریان یادگیری مشغول شویم، تا نهایتاً به جامعه‌ای با یک الگوی زندگی تبدیل شویم که می‌تواند بر جهان تأثیر بگذارد. یک جامعه اکنون در صورتی بالغ محسوب می‌شود که دارای یک الگوی منظم رشد، تأثیر بر اجتماع و غیره باشد، یعنی دیگر اندیشیدن کافی نیست که ما فکر کنیم در صورتی که جلسات ضیافت را تشکیل دهیم، ایام محرّمه را رعایت نماییم، کلاسهای درس اخلاق داشته باشیم و جلسات محفل روحانی محلی را مرتّب تشکیل دهیم به بلوغ رسیده‌ایم. اگر می‌خواهیم به بلوغ برسیم، باید فعالیت‌های مختلف را انجام دهیم، یا عناصر پراکنده یک نظام را مجموع سازیم و آنها را کنار یکدیگر قرار داده یک سیستم را به وجود آوریم (که این فعالیت سیستماتیک می‌شود). الگو و مثال هیکل بشری و اعضاء مختلف این هیکل نمونه‌ای تمثیلی به وجود می‌آورد که نشان می‌دهد چگونه اعضاء و اجزاء سیستم باید

همیارانه^(۱) با یکدیگر عمل کنند. این بدان معنی است که وارد کردنِ غیربہائیان به گروه‌های مطالعه نیز موجب تقویت علاقه به جلسات دعا، جلسات تبلیغی، کلاسهای اطفال می‌شود که فی نفسه به یک سیستم خودکفا و پایدار تبدیل می‌شود. این به نفسِ فعالیت مربوط نیست، بلکه در خصوص تلاش برای وصول به مقصدی، و داشتنِ حسِ هدفمندی است. وقتی که دارای هدف و مقصد باشید، در این صورت فرایند یادگیری رخ می‌دهد. بدون داشتنِ حسِ هدفمندی یک فعالیت حلقوی، دایره‌وار و پرتب و تاب خواهیم داشت. در حین حرکت، در صورت لزوم، می‌توانید هدف را تنظیم کنید.

پیشروی قدم به قدم و تفکر بر اقدامات به عملیاتِ متحدکننده‌ای منجر می‌شود و یک الگوی کلی زندگی ظهور می‌کند. فی‌المثل، در یک جلسهٔ مجموعه، یک رشته سؤال مطرح می‌شود مانند: در اینجا چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا کاری هست که ما بتوانیم در جهت بهبود این جنبه از زندگی انجام دهیم؟ عناصری که به خوبی پیش نمی‌روند چگونه قابل مرمت هستند و به چه نحو می‌توان آنها را با عناصری که خوب پیش می‌روند تطبیق داد؟ هرم ما در مجموعهٔ ما چه شکلی است؟ در سه ماه آینده برای کار در خصوص سه مورد ضروری چه کاری انجام خواهیم داد؟ این است معنای تفکر: دریافتن که ما در کجا قرار داریم و چگونه باید به هدف و مقصدِ خود واصل شویم. یاران آن را به پیش خواهند برد، این یک جریان یادگیری جمعی است. فرصتی برای کسانی است که در جلسهٔ مجموعه گرد آمده‌اند تا اقداماتی را که برای قدم بعدی لازم است عملی سازند. فعالیت‌های تبلیغی بخشی از آن است. برای مثال، آنها می‌توانند ترتیبی بدهند که نفوس را به جلسات دعا، یک کلاس مربوط به کتاب اوّل آموزشی دعوت نمایند. این ارزیابی تکوینی و شکل دهنده است، یعنی انجام دادن امور و تنظیم جنبه‌های مختلف در حین حرکت به پیش. آزمایش در حین اقدام باید انجام شود، نه به صورت جریانات رسمی، مبسوط و مفصل. ما باید علاقمند باشیم که به نقطه نظرات مختلف توجه کنیم و جمیع وجوه کلّ جریان را تحت پوشش قرار دهیم. جلسهٔ مجموعه باید تصویری شفاف داشته باشد که ما در کجا واقع شده‌ایم و اکنون به چه کاری احتیاج داریم. بر نکات صریح و معینی که در پیام ۹ ژانویه ۲۰۰۱ ذکر شده است تمرکز نماییم. تمرکز باید بر اقدامات باشد نه امور اداری.

جریان مؤسسه آموزشی سیستم یکپارچه را به صورت زیر تغذیه می‌کند:

در برنامه آموزشی روحی، کتاب اول باید به افزایش در تعداد جلسات دعا و مناجات منجر شود، کتاب دوم به افزایش تعداد احبائی که قادرند به افزایش و عمیق تر شدن معارف دیگران کمک کنند، منتج گردد، کتاب سوم به افزایش کلاسهای اطفال منتهی شود، کتاب چهارم باید تعداد داستانهایی از تاریخ امر بهائی را که در جامعه و برای دیگران بیان می‌شود تزاید بخشد، کتاب پنجم کلاسهای اطفال را مضاعف نماید، کتاب ششم تبلیغ را بیشتر کند، کتاب هفتم گروه‌های مطالعه بیشتر را به منصفه ظهور رساند.

سه جزء کلیدی سیستم (گروه‌های مطالعه، جلسات دعا و مناجات، و کلاسهای اطفال) بلوکهای ساختمانی این الگوی زندگی می‌شوند. وقتی که الگو تثبیت شده، به یک سیستم خودکفا، پایدار و شتاب گرفته (مانند هیکل بشری) تبدیل می‌شود که به طور طبیعی نفوس فعال را برای امر پدید می‌آورد. در رشد موجود زنده، استعداد رشد می‌کند، مهارت بیشتر حاصل می‌شود، تأثیر و نفوذ تزاید می‌یابد.

وقتی که ما دارای سبک و شیوه یادگیری باشیم، دارای طریقه‌ای برای رفع اشتباهات و نیز مغلوب نشدن در مقابل آنها هستیم. ما قبلاً در فرایند یادگیری بودیم، بدون این که بدانیم داریم یاد می‌گیریم، و باز هم موفق می‌شدیم. حال، اگر آگاهانه در فرایند یادگیری باشیم، ببینید چقدر موفقیت ما بیشتر خواهد شد! این کار باعث می‌شود این نگرانی، که آیا این فعالیت به موفقیت منجر می‌شود یا به شکست، بالمره زائل گردد، زیرا ما نگاه می‌کنیم که چگونه می‌توانیم تعدیل نماییم، اصلاحات را انجام دهیم تا موفقیت را افزون سازیم، نه این که به ارزیابی امور پردازیم که آیا منجر به کامیابی می‌شود یا ناکامی.

در نقشه پنجساله ما بررسی می‌کنیم که چگونه دو حرکت را انجام دهیم:

۱- افزایش تعداد نفوسی که در سلسله دوره‌های مؤسسه آموزشی قرار می‌گیرند؛

۲- مجموعه‌ها با تشدید فعالیت‌های خود سلسله مراتب طبقه‌بندی شده را طی کنند، از

د به ج، به ب، و به الف برسند و بعد رشد فشرده داشته باشند. عامل مؤثر و پیشگام در یادگیری حرکت از طبقه ب به الف و برخورداری از رشد فشرده است.